Camp News

نشریه هواداران حرفه‌ای بارسا

نیوز کمپ

FCBarcelona.ir

WE'VE SHOWN IT

شماره اول

خرداد ۹۵

FCBarcelona.ir

لالیگا ۲۰۱۵/۱۶ با همه تب و تابش به پایان رسید و آبی و اناری ها که فصل گذشته یک هفته زودتر از پایان لیگ با شکست مردان سیمئونه قهرمانی را در مادرید جشن گرفتند، در این فصل جشن قهرمانی را در هفته آخر و با پیروزی ۰-۳ در زمین گرانادا برپا کردند. لالیگا ۲۰۱۵/۱۶ نکات مثبت زیادی داشت. از رکورد شکنی MSN گرفته تا ۲۳ هفته بدون شکست متوالی. حال وقت آن رسیده تا فصل پر فراز و نشیب بارسلونا را مورد بررسی قرار دهیم. با ما همراه باشید

یوهان کرایف؛ بازیکن-مربی-میراث

گزینه های نقل و انتقالات تابستانی بارسا

تیمی که بی دفاع؛ قهرمان شد

مصاحبه ای متفاوت با سعید ایمنی

10 LIONEL MESSI

CAMPIONS

LLIGA I COPA 15-16

بسم الله

فهرست

FCBarcelona.ir

پیشگفتار ۱
بررسی گزینه های نقل و انتقالات ۲
مسیر بارسا در لیگ قهرمانان ۵
آنالیز جام حذفی (پایان رویایی فصلی ایده آل) ۸
تاکتیک (از آغاز تا امروز) ۱۰
بارسلونا تیم بی دفاع ۱۴
هفته های لیگ زیر ذره بین ۱۶
اسطوره ها ۲۳
گپ ۳۶

صاحب امتیاز: سعید ایمنی **سردبیر و مدیر تحریریه:** امین سبحانی **مدیر مسئول:** سجاد ایمنی
هیأت تحریریه: امیر اروجی - مبینا پولایی - کیاوش حسینی - رضا خانجانی - سید سجاد زرگرنتاج - امین سبحانی - غلامحسین صبوری - حسین محمدی
طراح جلد و صفحه آرا: سجاد ایمنی

پیشگفتار

هوادار فوتبال بودن، داستان جالبی است، اما آبی و اناری بودن، شبیه یک شاهکار ادبی، یک رمان جادویی، یک دنیای خارق العاده است؛ رمانی که شیرینی آغازش را هرگز فراموش نمی‌کنی و هیچ گاه هم به پایان نمی‌رسد! همه ما در این رمان زندگی می‌کنیم، بعضی‌هایمان بیشتر از مابقی. بعضی‌هایمان سابقه طولانی‌تری در این دنیای فانتزی داریم و بعضی‌هایمان پیوندی عمیق‌تر؛ بعضی‌هایمان، فریادهای بلندتری بعد از گل‌ها می‌کشیم و بعضی‌هایمان، بعد از شکست‌ها می‌گرییم... اما در نهایت، همه با یک رویا کنار هم جمع شده‌ایم، رویای لحظات شیرین پیروزی و قهرمانی؛ رویایی که ما خوش‌شانس‌ترین آبی و اناری‌های تاریخ، بیشتر از هر هوادار دیگری تحققش را دیده‌ایم!

اف سی بارسلونا دات آی آر، یازده سال پیش، برای چنین رویایی متولد شد، برای ساختن فضایی گرم و دوستانه که خوانندگان این رمان دلنشین را دور هم آورد، زمانی که خبری از کانال‌ها و پیج‌های و سایت‌های رنگارنگ امروزی نبود. به گذشته که نگاه می‌کنیم، تعداد لحظات خوشمان در اولین سایت تخصصی هواداران بارسلونا در ایران، با قدرت به لحظات ناخوشمان می‌چربند! جشن‌های خارج از شماره‌ای در این سایت، با پیروزی‌های بارسا برگزار شده و هزاران هوادار مشتاق، از مصاحبت و دوستی و همنشینی با هم خون‌هایشان – بله، خون ما هم آبی و اناری است! – لذت برده‌اند و تخصصی‌ترین و حرفه‌ای‌ترین اخبار و مقالات قابل دسترس در دنیای اینترنت را از تیم محبوبشان مشاهده کرده‌اند.

امروز در آستانه عصر جدیدی هستیم، در آستانه بازتعریف واژه «هواداری». امروز FCBarcelona.ir با همکاری باشگاه بارسلونا، در آستانه تاسیس کانون رسمی هواداری قرار گرفته و قرار است، سرزمین‌های جدیدی به دنیای خارق العاده‌مان اضافه شود، چیزهایی حتی رویایی‌تر از آنچه در قبل تجربه کردیم! سالهای سال بعد، زمانی که برای بچه‌هایمان از خاطرات آبی و اناری‌مان خواهیم گفت، به خاطر می‌آوریم که این عصر جدید و شگفت انگیز، برای آبی و اناری‌ها، در همین لحظه و در همین نقطه و با خواندن همین کلمات آغاز شد...

نشریه الکترونیکی «**نیوزکمپ**»، به عنوان اولین نشریه تخصصی آبی و اناری در ایران، یکی از اولین گام‌های این عصر جدید خواهد بود. ماهنامه‌ای که شما را با نگاهی متفاوت به اتفاقات آبی و اناری جهان، هر ماه، هیجان‌زده خواهد کرد! به یاد آن روزهایی که با بوی دوست - داشتنی مجله‌های کاغذ گلاسه‌مان نفس می‌کشیدیم و دهها و صدها بار، هر صفحه‌اش را می‌خواندیم و تک تک عکس‌های بازیکنان و بازیهای محبوبمان را ساعت‌ها تماشا می‌کردیم، با ما در این سفر شگفت انگیز همراه شوید!

امضاء: سعید ایمنی

انقلاب یا اصلاح؟

فصل ۲۰۱۵/۱۶ با تمام تلخی ها و شیرینی ها به پایان رسید. بارسلونا لالیگا و کوپا دل ری را برد و یکه تازی خود را در دهه گذشته ادامه داد؛ اما بر همگان واضح است که این تیم، کامل نیست و نیاز به تغییراتی دارد. عده ای صحبت از انقلاب اساسی می کنند و عده ای بر این عقیده اند که با تغییراتی کوچک می توان موفقیت ها را تکرار کرد. در این مقاله به بررسی پست به پست گزینه های نقل و انتقالات باشگاه می پردازیم.

دروازه بان

با رفتن والدز، عده ای یاد دوره پیشا والدز می افتادند و با خود تکرار می کردند: «نکند دوباره به همان بیچارگی دچار شویم»؛ اما باشگاه به جای یک دروازه بان، دو دروازه بان فوق العاده خرید و ماسیپ را به عنوان دروازه بان سوم از تیم ب به تیم اصلی آورد. ترکیبی مطمئن که در لالیگا، کوپا و چمپیونز لیگ مفید واقع شده است. در ماه های اخیر صحبت هایی مبنی بر جدا شدن تراشتگن و براوو مطرح شده بود. تراشتگن بسیار به درب های خروجی نیوکمپ نزدیک شده بود اما اکنون به نظر نمی رسد هیچ کدام از سه دروازه بان، باشگاه را ترک کنند. خیالتان راحت!

دفاع راست

آلوز از تیم جدا شده است و این قطعی است. بارسلونا اکنون در دو راهی بین استفاده از بازیکنان کنونی(سرجی روبرتو و الکس ویدال) و خرید بازیکنان جدید قرار گرفته است. اگر بارسا بخواهد بازیکنی را جانشین آلوز کند، گزینه های زیر از محتمل ترین بازیکنان هستند:

۱-هکتور بیرین: از مکتب لاماسیا

هکتور، بازیکنی است سرعتی و به شدت قابل تطبیق با بارسلونا؛ دلیل آن هم حضورش در لاماسیا و زبان اسپانیایی اش است. به طور قطع او گزینه اصلی باشگاه برای جانشینی آلوز به حساب می آید.

۲-برونو پرز: برزیلی جای برزیلی؟

او را با آلوز مقایسه می کنند. به اعتقاد خیلی ها بهترین دفاع راست کالچو است. سرعتی ویران کننده و سانتر های نسبتا خوب، از او گزینه جذابی می سازد. آیا برزیلی دیگری وارد می شود؟

۳- رافینیا: آشنایی با تیکی تاکا و تجربه

رافینیا بازیکن فوق العاده ای نیست. گزینه ای دائمی هم نیست. شاید تنها دلایلی که او جزو گزینه ها باشد، کار کردن زیر دست گواردیولا و تجربه بالای او باشد.

گزینه های دیگر:

-ژوائو کانسلو: بازیکن جوانی که کیفیت فوق العاده ای ندارد.

-سرج آوریر: بازیکنی فوق العاده که به دلیل اخلاق بد، احتمالا به باشگاه نمی آید.

-گرگوری ون در ویل: کیفیت نازل او، باشگاه را از خرید او منصرف می کند.

دفاع وسط

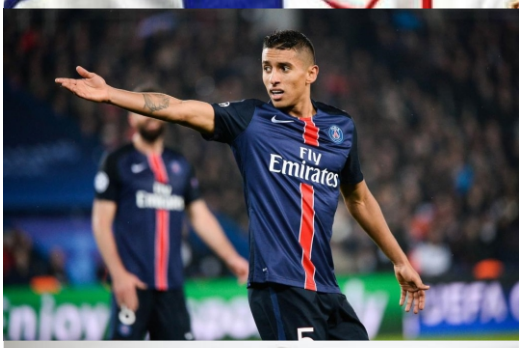

اگر دفاع وسط تقویت نشـــود بارسلونا قطعا به مشـــکل بر می خورد. به خصـــوص با خروج بارترا و احتمالا فرمالن. حتی اگر این بازیکنان هم جدا نشوند، پر واضح است که باشگاه به یک دفاع وسط با کیفیت جهانی نیاز دارد.

هر ساله گزینه های جذاب و زیادی برای خط دفاعی شکننده بارسا مطرح می شـود. از متس هوملز وتیاگو سـیلوا تا اوگبونا و دژان لاورن. به نظر می رسـد با توجه به نبودن ستاره در دفاع وسـط، باشـگاه به بازیکنان جوان و آینده دار رو می آورد. در زیر به بررسی گزینه های احتمالی می پردازیم:

۱-ساموئل اومتیتی: ایده آل بارسا

اومتیتی گزینه بســـیار جذابی است. بازیکنی سر زن و باهوش که می تواند بازیسازی کند. یک در مقابل یک ها را پیروز شود و با خونسـردی دریبل بزند. سن کم او جذابیت این انتقال را بیشتر می کند.

۲-مارکینیوش: ماموریت غیر ممکن؟

بازی سـازی خوب، کنترل و قطع توپ از ویژگی های بارز او اسـت. اما در نبرد های هوایی ضعیف است. همچنین پاریس سنت ژرمن قصـد فروش او را ندارد و دو سالی می شود که به صورت مداوم در پسـت دفاع وسط بازی نکرده. اما به هر حال بازیکن خوبی است و احتمالا می تواند مشکل خط دفاعی را حل کند.

۳-مائوریسیو لموس: خرید از روی ناچاری

مائوریسـیو لموس بازیکن فوق العاده ای نیسـت؛ بدترین گزینه ممکن. تکل های خوبی ندارد؛ سرزن نیســـت و بازی اش به مانند اکثر مدافعان آمریکای جنوبی بی برنامه است. در بعضی بازی ها فوق العاده است و در بعضـی بازی ها فاجعه. اما بازی سازی خوبی دارد. همچنین می تواند در پسـت هافبک دفاعی هم بازی کند.

سایر گزینه ها:

جان اســـتونز: بهترین گزینه که البته گران اســـت. قیمت او ۶۰ میلیون یورو است و باشگاه نمی خواهد بر روی او سرمایه گزاری کند.

آیمریک لاپورته: او جزو گزینه های اصلی بود. ولی مذاکرات بارسـا و بیلبائو به بن بست خورد. البته هنوز احتمال خرید او وجود دارد.

دفاع چپ

حتی با خروج آدریانو هم به نظر نمی رسد باشگاه نیازی به خرید در این پســـت داشته باشد. آلبا و متیو گزینه های خوبی برای این پست هستند.

مدافع دفاع راست

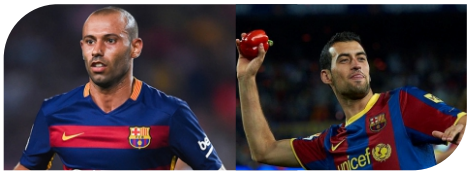

با تمدید قرارداد بوسـکتس و ماندن احتمالی ماســـکرانو، به نظر باشگاه قصـــد دست زدن به این پســـت را ندارد. سرجی سمپر هم احتمالا به باشگاهی دیگر قرض داده می شود.

هافبک میانی

از لحاظ کمّی بارسا با مشکلی روبرو نیسـت. اینیسـتا، راکیتیچ، آردا توران، رافینیا، سرجی روبرتو و دنیس سوارز. اما اخباری به بیرون درز کرده که بارسا به دنبال خرید یک بازیکن خلاق است. گزینه های بارسا در این خط به قرار زیر است:

۱-پائول پوگبا: همه چیز

قدرت بدنی، به همراه سـرعت و خلاقیت از او گزینه ای فوق العاده می سـازد. اما آیا یوونتوس حاضـــر به فروش بهترین بازیکنش می شود؟

۲-میرالم پیانیچ: خلاق، مثل ژاوی

بازیکنی خلاق که آرزوی پیوسـتن به بارســـا را دارد. ژاوی از او به عنوان گزینه ای ایده آل یاد کرده. دید وســـیعی دارد و پاس های فضایی کم نداده است. باید دید که علاقه بارسا به او جدّی است یا نه.

۳-خوان ماتا: بهترین ها، بهترین می مانند!

باشگاه، وضعیت او و مورینیو را زیر نظر دارد. اگر آن ها باز هم به مشکل بخورند، احتمال پیوستن قرضی یا ارزان ماتا به بارسا وجود دارد.

تا حالا دنیس سوارز - که توانایی بازی در پست هافبک و مهاجم را داراست - جذب شده است؛ اما حتی با حضور مسی و سوارز و نیمار، بارسا به یک بازیکن دیگر برای جانشینی ساندرو نیاز دارد. گزینه های بارسا، بازیکنان لالیگایی هستند: نولیتو و گامیرو.

۱-نولیتو: خوش تکنیک و ارزان

نولیتو محصول آکادمی بارسلونا محسوب می شود و به شدت به بارسلونا نزدیک است. اگر بارسلونا او را می خواهد، باید ۱۸ میلیون یورو هزینه کند.

۲-گامیرو: تمام کننده ای سرعتی

گامیرو واقعا بازیکن خوبی است. تمام کنندگی خوب به همراه قدرت پاس دهی و سرعت بالا از او بازیکنی تیکی تاکایی می سازد. شاید تنها مساله ای که در خریدش ابهام ایجاد می کند، سن بالای او باشد.

به هر حال باید تا پایان فصل نقل و انتقالات صبر کرد و دید چه نفراتی به ترکیب اضافه و چه نفراتی از آن خارج می شوند.

مسیر بارسا در لیگ قهرمانان

کمتر از سه ماه بود که از سه گانه، ببخشـــــــید پنج گانه بارسا می گذشت! لشکر شکست ناپذیر و خطرناک لوئیز انریکه، به همراه یک خط حمله زهردار و آتشین، تلاش خود را برای تکرار قهرمانی جهان آغاز کرده بود.

لالیگا با سـه پیروزی مقابل تیم های اتلتیک بیلبائو، مالاگا و اتلتیکو مادرید برای کاتالان ها آغاز شـــد تا مقدمه ای باشـــد برای لیگ قهـرمانان اروپا. هـرچند که نمـی توان با ارزیابـی عملکـرد تیم در ابتدای فصل، درمورد سرنوشت آن در انتهای فصل نظر داد؛ اما بارسا آنقدر فصل ۲۰۱۴/۱۵ را خوب پشت سر گذاشته بود که سطح توقع هواداران از بارسای تاتا به بارسای لوچو ارتقاء پیدا کرد و حتی تصور یک فصـل بدون جام برایشـان غیر ممکن می آمد. البته نه تنها یک جام، آنها تشنه تکرار سه بودند. سه گانه ای که بدون لیگ قهرمانان معنایی نداشت ...

بارسا بعد از کسـب آن سه پیروزی در لالیگا، به رم سفر کرد تا اولین بازی اروپایی خود در فصل ۲۰۱۵/۱۶ را رقم بزند. بازی شروع شد و گل اول آن توسط سوارز وارد دروازه رُمی ها شد و روحیه تیم انریکه را مضاعف کرد؛ اما هنوز ۱۰ دقیقه هم از خوشحالی بعد از گل سوارز نمی گذشت که آلساندرو فلونزی حسـاب کار را ۱-۱ کرد. تا انتهای بازی نیز هیچ یک از دو تیم موفق به گشودن دروازه دیگری نشدند.

بازی بعدی آبی اناری پوشـان در نیوکمپ برگزار می شـــد و این بار بایر لورکوزن تیمی بود که باید در برابر بارسا زانو می زد. آلمانی ها ۲ بر ۱ مغلوب شدند و کاتالان ها نیز تســـاوی ناعادلانه در ایتالیا را به فراموشی سپردند. البته این بدان معنا نیسـت که شکسـت لورکوزن برای آبی و اناری ها اهمیت زیادی دارد، خیر. تیم های قدرتمند تـر از لورکوزن نیز با نتایج پرگل در برابر بارســا زانو زده بودند ... این که چیزی نبود!

بازی بعدی ارتش کاتالان ها اما فرجام خوشایندی نداشـت؛ سـوت پایان بازی رفت دو تیم بارسا و سویا در چارچوب رقابت های لالیگا، با نتیجه ۲ بر ۱ به سود روجیبلانکوز به صدا درآمد؛ سـوتی که پیامد دومین باخت انریکه در فصـــل ۲۰۱۵/۱۶ را در پی داشت. اما مهم نبود؛ چرا که آبی و اناری های انریکه را داشتند، کسی که بیش از هر برد و امتیازی می ارزید. کسـی که همواره و در هر حال نشـان داده که در گفتمان با رسـانه ها مهارت وصـف ناپذیری دارد. البته که او این مهارت خارق العاده را تنها در اتاق کنفـرانس به نمایش نمـی گذارد و در تمرینات تیم نیز از این معجون کارگشا استفاده می کند. کسی چه می داند، شاید بازیکنان او در صدایش مسکنی یافته بودند که با همان آرام می شدند.

در هر صورت همین امید بخشـــیدن به آینده بود که باعث پیروزی ۲-۵ مقابل رایووایکانو شـــد، پیروزی که دقیقا بعد از تحمل یک شکست بدست آمد.

درست سه روز بعد از آن پیروزی، لشـکر انریکه باید به تقابل با باته بوریســـوف می رفت تا جایگاه خود را در صدر جدول گروه لیگ قهرمانان محکم تر کنند. بارسا عزم خود را جزم کرده بود تا این بار تاریخ سازی کند؛ البته نه با کســب سه گانه، بلکه با دفاع از عنوان قهرمانی در لیگ قهرمانان! این مصـــاف طبق میل هواداران پیش رفت و بعد از یک نیمه بدون گل با دبل ایوان راکیتیچ، کاتالان ها به پیروزی ۲ بر ۰ مقابل باته دست یافتند.

روزها می گذشـتند و روز به روز به قدرت و شـوکت بارسـای انریکه افزوده می شد... مثل این که قرار بود ورژن ۲۰۱۵/۱۶ بارسا از ورژن ۲۰۱۴/۱۵ آن بهتر باشد!

بین دیدار با باته و بازی بعدی بلوگرانایـی ها در لیگ قهـرمانان را ۲ برد (ایبار و ختافه و در لیگ) و یک تســـــاوی (ویانوونس در جام حذفی) پر کرده بود. بارسا در بازی برگشـت مقابل باته، این تیم را با دبل نیمار و تک گل سوارز مغلوب خود کرد. گل اول نیمار در دقیقه ۱ ۳ بازی و از روی نقطه پنالتی به ثمر رسـید و دو گل بعدی نیز در اواخر نیمه دوم (دقایق ۶۰ و ۸۳) وارد دروازه حریف شدند.

پنجمین روز از رقابت های لیگ قهرمانان در حالی آغاز می شـد که برد در ال کلاسیکو رفت (سانتیاگو برنابئو) ۱۳ روز پیش از آن کسب شده بود. شکسـت رئال ناتوان و بی رمق بنتیز، روحیه سپاه پیروزی طلب بارسـا را دوچندان کرده بود. همین امر نیز باعث شـد که بازی برگشـــت مقابل آ اس رم با نتیجه ای فوق باور تماشاگران به سود کاتالان ها تمام شود. جشـنواره گل آبی اناری پوشان در نیوکمپ در دقیقه ۱۵ بازی و با اسـتارت ســـوارز آغاز شـــد. هنوز ۳ دقیقه از سرافکندگی ارتش اسپالتی نگذشته بود که مســی برای دومین بار ســتون دروازه این تیم را به لرزه درآورد. تا دقایق انتهایی نیمه اول این دیدار گمان همگان بر آن بود که ســوت داور با همین نتیجه به صـدا درآید، اما ... اما نه، انگار شـاگردان انریکه دسـت بردار نبودند؛ دقیقه ۴۴ اُم بازی، سـوارز دروازه گرگ ها را یک بار دیگر درنوردید. نیمه دوم اما مجددا نوبت به مسـی رسید و او بود که در دقیقه ۶۰ اُم چهارمین گل را به ثمر رساند.

تمام شد؟می توانیم بنشـــــینیم؟! و ... . این ها سوالات تماشاگران حاضر در ورزشگاه بود که از شوق دیدن این بازی فرصت و جسـارت نشستن نداشتند و در بین همین پرسش ها و در برابر همین چشـم های شوق آلود، مســـی باز هم خودنمایی کرد. تنها ۴ دقیقه پس از گل چهارم و... آری مسی هت تریک کرد!

در ادامه بازی هر دو تیم یک پنالتی از دسـت دادند (نیمار و آلان) و در دقیقه ۷۷ اُم، بخت آدریانو نیز باز شـد و او هم گلزنی کرد. دقیقه ۹۰ اُم بازی بود که آلان به جبران آن پنالتی از دسـت رفته بک گل وارد دروازه بارسـا کرد؛ و تنها چند دقیقه بعد سـوت پایان به صـدا درآمد.

بازی برگشـــت با لورکوزن یک بازی تشـــریفاتی بود؛ زیرا صعود شاگردان انریکه به یک هشـــتم نهایی قطعی شده بود. بازیکنان به اجبار وارد زمین شدند و با کســب یک تســـاوی ۱-۱ کار را تمام کردند.

تا آغاز مراحل حذفی این رقابت ها یک جام دیگر توسـط کاتالان ها فتح شد. آری، قهرمانان جهان مدال ارزشمندی را به سینه زدند که مستحق آن بودند.

کاتالان ها با ۱۲ امتیاز اختلاف نسـبت به آ اس رم، به یک هشـتم نهایی رسـیدند و در اولین بازی این مرحله در ورزشـگاه اتحاد، به مصـاف با آرسنال رفتند و با دبل مسـی، ۲ بر ۰ آنها را مغلوب خود ساختند.

پس از آن نیز کاتالان ها شکسـت رفت مقابل سویا را با همان نتیجه - البته بر عکس - پاســـخ دادند و انتقام خود را از روجیبلانکوز گرفتند.

پیروزی های بدون توقف و پرگل بارسـا همچنان ادامه داشـت و رکوردها پشـت سر هم، توسط بارسای لوئیز انریکه شکســته می شدند؛ بارسا در اوج عظمت خود بود.

بازی برگشـت مقابل آرسنال با گلزنی هر سه ضلع مثلث هجومی و مقتدر لوئیز انریکه به پیروزی انجامید و صـــعود آنها به ۱/۴ نهایی قطعی شد.

گفته بودم بارسا در اوج عظمت خود بود؟! آری، در اوج اوج اوج! نمی دانیم چه شـد که این طور شـد. در همان روزهایی که در آسـمان بودیم، زمین خوردیم. افت بارسا شروع شد؛ افتی که هیچ کارشناس فوتبالی و غیر فوتبالی قادر به پیش بینی آن نبود. در همان روزهایی

که سراسر جهان بارسا را برنده سه گانه می دانستند، جای تمام مهره های چیده شده انریکه به هم ریخت.

کسی تصورش را هم نمی کرد که یک تساوی ساده مقابل تیم ساده ای - ساده برای بارسا - چون ویارئال، چنین سرنوشت اسفناکی را به دنبال داشته باشد. اما ظاهرا این تساوی تیری بود برای زخمی شدن بال بزرگ تیم انریکه! شکست در ال کلاسیکو اما تیز خلاص را به سمت قلب بارسا پرتاب کرد و یکباره تمام باورها فرو ریخت.

هرچند که بازی رفت مقابل اتلتیکو مادرید با دبل سوارز، برد ۲-۱ بارسا را در پی داشت، اما شکست ۲-۰ در بازی برگشت، خط پررنگی کشید روی تمام زحمات و تلاش های بی وقفه تیم در راه رسیدن به جام قهرمانی! لیگ قهرمانان بی لیگ قهرمانان!

و پس از آن شکست پشت شکست... شکست هایی که یادآوری آنها نه برای خودمان و نه برای شما، خوشایند نیست ... .

اما مهم نبود، مهم نبود چون ما هوادار این بارسا بودیم، هوادارانی واقعی. وظیفه یک هوادار در این مقاطع سخت و حساس است که اهمیت دارد و باید به نحو احسن اجرا شود... در غیر اینصورت که یک هوادار با یک تماشاگر بی طرف تفاوتی ندارد...

دنیای فوتبال همین است، یک روز در اوج آسمان و یک روز در قعر زمین به سر می برید. هر چند که بارسا در آن روزها تا قعر چاه فاصله زیادی داشت، اما حتی اگر روزی برسد که بدتر از این ها نیز برایش رخ دهد باز هم ما دست در دست یکدیگر، پشت بارسا خواهیم ایستاد و به هیچ وجه تنهایش نخواهیم گذاشت. حمایت همین هواداران واقعی بود که پیروزی شیرین و دلچسب مصاف ریازور را از آن شاگردان انریکه کرد و باعث شد که با یک جشنواره گل بی نظیر مجددا فرم مطلوب خود را بدست بگیرند و خاطرات تلخ شکست های پیاپی را از ذهن هواداران پاک کنند.

بارسا چمپیونز لیگ را از دست داد، اما همچنان دو جام ارزشمند دیگر را پیش روی چشمان خود می دید؛ جام هایی که کاتالان ها را فرا می خواندند. ادامه روند پیروزی های پرگل بعد از شکست ۸ بر ۰ دپورتیوو لاکرونیا، بارسا را به جام لالیگا رساند. پنج بازی و پنج برد پیاپی که مجموعاً با نتیجه ۲۴-۰ پایان یافت، حق را به حق دار رساند.

اما رسیدن یا نرسیدن به جام دوم فصل، یا به عبارتی جام آخر، تنها به یک بازی بستگی داشت؛ فینال بارسا - سویا، متخصص قهرمانی در لیگ اروپا! حریف تکراری بارسا که در فینال سوپر جام اروپای ابتدای فصل نیز با آن رو به رو شده بود، باید در برابر لشکر زخم خورده انریکه صف آرایی می کرد. حرص و طمع آبی و اناری ها برای جبران جام از دست رفته لیگ قهرمانان، کار را برای سویا سخت تر می کرد. در پایان آخرین بازی فصل ۲۰۱۵/۱۶ اسپانیا با گلزنی آلبا و نیمار، به پیروزی ۲ بر ۰ ارتش کاتالان ها انجامید. بارسا قهرمان دوگانه!

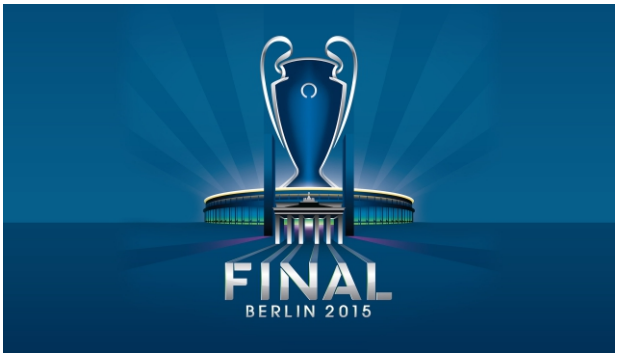

رمز پیروزی؟

بی تردید می توان گفت کلید اصلی بارسلونا برای دستیابی به موفقیت هایش اتحاد و همبستگی بازیکنان این تیم است. اتحادی که در سراسر جهان فوتبال پیدا نشدنی است.

سرنوشت لیگ قهرمانان چه شد؟

تنها قسمت تلخ داستان این فصل به همین موضوع باز می گردد؛ قهرمانی رئال با چاشنی بی عدالتی! چه تیمی می تواند بدون تحمل کوچک ترین فشار و بحرانی به قهرمانی برسد؟ معلوم است، رئال مادرید. واقعا خنده دار است؛ چطور تیمی که در مسیر رسیدن به قهرمانی تمام تیم های درجه ۲ را مغلوب می کند، می تواند عنوان قهرمانی را برای خود انتخاب کند؟ چطور می تواند سرش را بالا بگیرد و بگوید " من قهرمانم؟". شاید اگر به جای اینکه چنین حریفان بی رمقی به پست رئال بخورند به بارسا می خوردند، الان ما قهرمان سومین سه گانه تاریخ باشگاه بودیم، هر چند کسب چنین قهرمانی هایی به مزاج بارسایی ها خوش نمی آید.

چگونه قهرمان شد؟

پنالتی، پنالتی و باز هم پنالتی! اولین بازی رئالی ها در لیگ قهرمانان اروپا به پیروزی ۴ بر ۰ آنها مقابل شاختار دونتسک انجامید و این در حالی بود که اولین حریف بارسا آ اس رم بود! گل اول مادریدی ها را کریم بنزما در دقیقه ۳۰ به ثمر رساند، اما در نیمه دوم، مجددا شاهد شاهکار کریستیانو رونالدو بودیم؛ هت تریک رونالدو با طعم دبل پنالتی! دو پنالتی او رئال را ۳ بر ۰ پیش انداخت و گل آخر بازی را نیز خود او در دقیقه ۸۱ با یک ضربه سر از روی توپ برگشتی دروازه بان به ثمر رساند.

حریف بعدی؛ مالمو! مالمو دومین حریف رئال مادرید در لیگ قهرمانان بود. پیروزی ۲-۰ رئال مادرید در این بازی با دبل رونالدو حاصل شد، اما دابلی که گل اول آن در یک موقعیت تک به تک با دروازه بان حریف و سپس بازگشایی دروازه خالی او بدست آمد.

حریف سوم سخت تر شد و رئال ناکام ماند؛ در رویارویی با پاریس سنت ژرمن، رونالدو و هم تیمی هایش نتوانستند گلزنی کنند و در نتیجه بازی ۰-۰ به اتمام رسید. در بازی برگشت با این تیم اما ناچو توانست دروازه پاریس سنت ژرمن را باز کند تا رئال با نتیجه ای نزدیک پیروز شود. تیمی که وقتی در لیگ قهرمانان فصل گذشته، در مرحله گروهی به پست کاتالان ها خورده بود، در هر دو بازی رفت و برگشت ۳ بر ۱ مغلوب شد!

پیروزی ۴-۳ رئال در بازی برگشت با شاختار نیز با دبل رونالدو همراه بود. گل اول بازی توسط شماره ۷ رئال و در حالی به ثمر رسید که دروازه شاختار به طور کامل خالی بود و تنها چند مدافع که فاصله نسبتا زیادی با او داشتند نزدیک دروازه بودند. گل دوم توسط لوکا مودریچ و گل سوم نیز توسط کارواخال وارد دروازه

شاختار شد. گل چهارم آنها اما در حالی وارد دروازه شاختار شد که رونالدو توپ دفاع شده حریف را مستقیما و بدون هیچ دردسری به گوشه دروازه و در جایی که دروازه بان با آن فاصله داشت، زد. بازی آخر این تیم پایتخت نشین مجددا برابر مالمو برگزار شد که با پیروزی ۸ بر ۰ آنها به اتمام رسید.

قرعه رئال مادرید در یک هشتم نهایی به آ اس رم خورد و این تیم ایتالیایی مجموعا با نتیجه ۴-۰ از سفید ها شکست خورد. همان مرحله ای که بارسا در آن آرسنال را (مجموعا) ۱-۵ مغلوب کرده بود.

خنده دار بود جایی که بارسا باید اتلتیکو مادرید را از پیش روی خود بر می داشت، رئالی ها باید وولفسبورگی را شکست می دادند که بعد از سال ها به این مرحله از این رقابت ها راه یافته بود!

وولفسبورگ ۳-۲ توسط رئال مادرید از دور رقابت ها کنار رفت و این تیم پایتخت نشین به نیمه نهایی صعود کرد. خروج تلخ بارسا و صعود تلخ تر رئال؛ بی انصافی مطلق به حساب می آمد!

در نیمه نهایی، آنجا که اتلتیکو بابد با بایرن مبارزه می کرد، منچستر سیتی به پست رئال خورده بود. باز هم خوش شانسی؛ این منچستر سیتی بود که خودش را حذف کرد، نه اینکه رئال کاری از پیش برده باشد!

بازی رفت این دو تیم صفر بر صفر به پایان رسید و در بازی برگشت، فرناندوی منچستر، ناتوانی رئالی ها در گلزنی را جبران کرد و با یک گل به خودی آنها را به فینال برد...

در فینال نیز شاهد این خوش شانسی ها بودیم؛ اتلتیکو و رئال، بعد از ۱۲۰ دقیقه بازی، به تساوی ۱-۱ رضایت دادند تا کار به پنالتی ها بکشد؛ پنالتی که ۴-۳ به سود رئال خوش شانس تمام شد.

رئال مادرید اینگونه قهرمان شد تا بار دیگر روی بی رحمی و بی عدالتی فوتبال به همگان نمایان شود

پایانی رویایی بر یک فصل رویایی!

رقابت های جام حذفی اسپانیا موسوم به کوپا دل ری، رقابت هایی است که هر ساله بین تیم های مختلف اسپانیایی برگزار می شود. این مسابقات، از سال ۱۹۰۳ کار خود را آغاز کرده و از این جهت به عنوان قدیمی ترین رقابت های فوتبالی در اسپانیا شناخته می شود.

این تورنومنت، در فصل ۲۰۱۵/۱۶ نیز برای ۱۱۴ مین بار بین تیم های مختلف کشور اسپانیا برگزار شد و تیم بارسلونا به عنوان مدافع عنوان قهرمانی در این رقابت ها حضور یافته و در نهایت موفق شد ۲۸ مین عنوان قهرمانی خود را جشن گرفته و سومین عنوان قهرمانی خود در ۵ سال اخیر این رقابت ها را به ثبت برساند. لازم به ذکر است که آبی و اناری پوشان از حیث قهرمانی در این جام رکوردار هستند و هیچ تیم دیگر اسپانیایی به اندازه این تیم قهرمان نشده است.

در ادامه این مقاله سعی شده تا مرحله به مرحله دیدار های بارسلونا مورد بررسی قرار بگیرند تا مشخص شود که بارسلونا در راه دست یابی به عنوان قهرمانی جام حذفی ۲۰۱۵/۱۶ چه مسیری را طی کرده است.

مرحله یک شانزدهم نهایی: بارسلونا ۶-۱ ویانوونسه؛ گام اول، محکم!

بارسا کار خود در رقابت ها را با رویارویی با تیم نه چندان نام آشنای ویانوونسه آغاز کرد که در دسته ۳ اسپانیا حضور دارد. با توجه به این که دیدار برگشت این مرحله در نیوکمپ برگزار می شد و با توجه به سطح تیم حریف، لوئیز انریکه در دیدار رفت تصمیم گرفت تا از بازیکنان ذخیره خود در ورزشگاه رومرو کوئردا استفاده کند. علی رغم پیش بینی ها، ویانوونسه در این دیدار عملکرد خوبی از خود نشان داد و توانست با ارائه نمایشی دفاعی، یک تساوی ۰-۰ مقابل مدافع عنوان قهرمانی این رقابت ها و فاتح لیگ قهرمانان اروپای سال گذشته کسب کند.

در دیدار برگشت، انریکه باز هم تقریباً تیم ذخیره خود را به میدان فرستاد و تنها آلوز، متئو و ماسکرانو بازیکنان ثابت تیم بودند که در این بازی به میدان رفتند. با این حال، آبی و اناری پوشان رو بردارند. در دقایق ابتدایی هوادار پر شور خود موفق شدند با نتیجه قاطع ۶-۱ این تیم گمنام را از پیش رو بردارند. در دقایق ابتدایی این بازی و در پی دو اشتباه فاحش از سوی دروازه بان ویانوونسه، دنی آلوز و ساندرو رامیرز، دو گل را برای کاتالان ها به ثمر رساندند، اما در ادامه و در کمال تعجب همگان، حریف یکی از گلهای خورده را پاسخ داد. اگرچه، همانگونه که از سبک بازی بارسا مشخص بود این تیم قصد نداشت دست از حملات بکشد و در ادامه با دو گل دیگر ساندرو و گلهای دیگری از جانب سمپر، مونیر و آیتور شکست سنگینی به حریفش تحمیل کرد.

در مجموع همانگونه که پیش بینی می شد بارسا با توجه به فرم فوق العاده آن مقطع از فصلش به هیچ وجه حتی با تیم دومش نیز کار سختی مقابل ویانوونسه نداشت و علی رغم تساوی در دیدار رفت، با ارائه عملکردی قابل توجه از سوی جوانانش در بازی برگشت، راه خود برای صعود به مرحله بعد را هموار کرد.

همچنین لازم به ذکر است که رقیب اصلی بارسلونا در راه رسیدن به عنوان قهرمانی این رقابت ها یعنی رئال مادرید نیز در این مرحله می بایست مقابل حریف نه چندان مطرح خود یعنی کادیز صف آرایی می کرد. اگرچه علی رغم پیروزی ۳-۱ تیم مادریدی در دیدار رفت، این تیم به دلیل اشتباهی ناشیانه که در بازی دادن به چریشف محروم انجام داد، حکم حذف خود از این رقابت ها را امضا کرد تا بارسا با خیالی آسوده تر به قهرمانی ۲۸ ام خود در این رقابت ها بیاندیشد.

مرحله یک هشتم نهایی؛ بارسلونا ۶-۱ اسپانیول: صعود با چاشنی دلچسب پیروزی در شهرآورد

پس از پیروزی برابر تیم نه چندن مطرح ویانوونسه، قرعه شانس این بار تیم اسپانیول را به عنوان حریف بعدی آبی و اناری پوشان معرفی کرد. این دو تیم همشهری تا پیش از این بارها و بارها مقابل یکدیگر در جام ها و تورنومنت های مختلف رو به رو شده بودند و با توجه به سابقه این دیدارها و سوای شرایط دو تیم در آن مقطع، پیش بینی می شد که بارسا کار چندان آسانی برای از پیش رو برداشتن این تیم نداشته باشد.

گفتنی است که بارسا در آن مقطع از فصل می بایست در مدت زمان ۱۱ روز، ۳ بار مقابل رقیب همشهری خود اسپانیول قرار می گرفت. دیدار اول از این سری در لالیگا و در خانه اسپانیول برگزار شد که بارسا به نتیجه ای بهتر از تساوی بدون گل دست نیافت. این نیز یکی دیگر از دلایلی بود که نوید جدال سخت بارسا برای رسیدن به مرحله بعدی جام حذفی مقابل اسپانیول را می داد.

به هر حال این دو تیم، چهار روز پس از رویارویی در لالیگا، در چهارچوب دور رفت مرحله یک شانزدهم نهایی جام حذفی در ورزشگاه نیوکمپ به مصاف یکدیگر رفتند. بازی چندان خوب برای تیم میزبان آغاز نشد و این فلیپه کایسدو بود که در دقیقه ۹ بازی موفق شد میهمان را جلو بیاندازد. با این حال، شبی که مسی سرحال باشد، هیچ عاملی نمی تواند جلودار پیروزی بارسلونا شود. این بازیکن آرژانتینی در همان نیمه

اول دو گل را وارد دروازه حریف کرد تا بارسا نیمه اول را با پیروزی به رختکن برود. در ابتدای نیمه دوم نیز نابغه آرژانتینی پاس گلی را برای پیکه فراهم کرد و در دقایق پایانی بازی که تیم اسپانیول به دلیل اخراج دو بازیکنش ۹ نفره به کار ادامه می داد، مسی آخرین تاثیر خود بر این بازی را نیز گذاشت و گل چهارم بارسا و اول نیمار در این بازی را پایه گذاری کرد تا تیمش با نتیجه ای مطمئن گام به دیدار برگشت بگذارد.

در دیدار برگشت این مرحله نیز علی رغم این که نیمار و سوارز برای بارسا به میدان نرفتند اما باز هم بارسلونا موفق شد با رهبری مسی در خط حمله و با دو گل مونیر، با نتیجه ۲-۰ حریف را در خانه خود شکست داده و جواز حضور در مرحله بعدی رقابت ها را کسب کند. بارسلونا در مجموع دو دیدار رفت و برگشت نتیجه قابل قبولی مقابل اسپانیول کسب کرد و در حاشیه کسب این نتیجه، مسی بار دیگر ارزش های خود را به رخ رقبا کشید.

مرحله یک چهارم نهایی؛ بارسلونا ۵-۲ اتلتیک بیلبائو: عبور دشوار از مانعی سرسخت بر سر راه قهرمانی

پس از پیروزی در شهرآورد، تیم اتلتیک بیلبائو به عنوان حریف بعدی بارسا معرفی شد. بارسا با علم بر اینکه به هیچ وجه کار آسانی برابر باسکی ها نخواهد داشت، می بایست بازی اول خود را در خانه حریف برگزار می کرد. این دو تیم که سال گذشته فینال این رقابت ها را برگزار کرده بودند، در اولین ماه سال ۲۰۱۶ در ورزشگاه سن مامس برابر یکدیگر صف آرایی کردند.

آبی و اناری پوشان در این دیدار، علی رغم این که سوارز را به دلیل محرومیت و مسی را به دلیل مصدومیت در اختیار نداشتند، کار را طوفانی آغاز کرده در در همان ۲۵ دقیقه ابتدایی بازی با دو گل مونیر و نیمار از حریف پیش افتادند. همه چیز بر وفق مراد کاتالان ها پیش می رفت تا این که تیم باسکی موفق شد توسط گلزن قهار خود یعنی آدوریز در دقیقه ۸۹ بازی به گل برسد. در ادامه اوضاع حتی ممکن بود برای آبی و اناری پوشان بدتر نیز شود، اما ترشتگن با مهاری فوق العاده مانع از فروپاشی دروازه تیم برای دومین بار در این بازی شد تا بارسا یک پیروزی خفیف و در عین حال ارزشمند را از دژ مستحکم باسکی ها کسب کند.

مطابق پیش بینی های قبلی، بارسلونا حتی با کسب پیروزی در دیدار رفت نیز، شب سختی را در نیوکمپ برای تضمین صعود خود به مرحله بعد تجربه کرد. درست همانند تمامی دیدار هایی که بازی بارسا در آن ها گره می خورد، تیم حریف موفق شد در همان ابتدای کار به گل برسد. این گل را ایناکی ویلیامز در دقیقه ۱۲ بازی وارد دروازه دوراره بان آلمانی بارسا کرد. پس از این، کار دشوار شد و این بارسا بود که خود را از این رقابت ها حذف شده می دید، اما خوش بختانه چنین اتفاقی رخ نداد و در حالی که به نظر می رسید بارسا شب سختی را برای رسیدن به دراوزه حریف سپری می کند، لوئیز سوارز با دریافت پاس از سوی مسی گل تساوی و در عین حال آرامش بخش خود را وارد دروازه بیلبائو کرد. پس از این، کار برای بارسا آسان تر پیش رفت و در ادامه این تیم توسط پیکه و نیمار دو گل دیگر را نیز در ده دقیقه پایانی بازی به ثمر رساند تا تیم سرسخت ایالت باسک نیز همانند ویانوونسه و اسپانیول به دست بارسلونا از جام حذفی کنار زده شود.

مرحله نیمه نهایی؛ بارسلونا ۸-۱ والنسیا: سوختن نویل و دوستان در دیگ جوشان نیوکمپ!

بارسا در حالی بایستی در مرحله نیمه نهایی به مصاف تیم والنسیا می رفت که این تیم به هیچ وجه شرایط مساعدی از لحاظ نتیجه گیری نداشت و گری نویل، سرمربی جوان خفاش ها که مورد هجمه شدید انتقادات بود، می داسنت که می تواند با پیروزی در این مرحله از رقابت ها، جایگاه لرزان خود در این تیم را مستحکم کند.

اگرچه اوضاع به هیچ وجه در دیدار رفت بر وفق مراد سرمربی بریتانیایی پیش نرفت و حتی کار به جایی رسید که این مربی خود را در نیوکمپ تحقیر شده دید. در این دیدار بازیکنان بارسلونا و در راس آنها MSN از همان ابتدا اجازه نفس کشیدن به حریف را نداده و با پرس سنگین خود در ۴۵ دقیقه ابتدایی سه بار دروازه حریف را توسط مسی و سوارز باز کردند. گفتنی است که این پایان تیره بختی های خفاش ها در نیمه اول بازی نبود و در دقیقه ۴۵ بازی آن ها در پی اخراج شکران مصطفی بازیکن آلمانی شان، خود را ده نفره دیدند.

بارسا که آمده بود تا در همان بازی رفت کار را یکسره کند، در نیمه دوم نیز به تیم حریف امان نداد و از هر سو به آنها تاخت. نتیجه این تاخت و تاز به حریف این شد که آبی و اناری پوشان در انتهای بازی با احتساب ۴ گل سوارز و ۳ گل مسی، در مجموع با ۷ گل والنسیا را بدرقه کرده و شب بیاد ماندنی خود را کامل کردند. این پیروزی سبب شد تا انریکه پس از پایان دیدار عنوان کند: «هدف ما قهرمانی در رقابت هاست و اگر در این راه بتوانیم باعث خوشحالی هواداران شویم، چه بهتر!».

با این اوصاف، حذف والنسیا از این مرحله از رقابت ها اجتناب ناپذیر به نظر می رسد و انریکه در دیدار برگشت با علم بر این موضوع، به بازیکنان ذخیره خود بازی داده و ضمن کسب نتیجه تساوی ۱-۱، برای ششمین بار در طی ۸ سال اخیر به فینال جام حذفی اسپانیا راه یافت.

فینال: بارسلونا ۲-۰ سویا؛ تاجگذاری دوباره آبی و اناری پوشان در جام حذفی

بارسا در شرایطی پا به دیدار نهایی جام حذفی گذاشته بود که قبل از این در لالیگا قهرمانی خود را جشن گرفته بود و پیروزی در این بازی به منزله کسب دوگانه برای این تیم بود. آبی و اناری پوشان این دیدار را مطابق معمول آغاز کرده و در ۳۰ دقیقه ابتدایی بازی با پاس های مکرر خود نبض بازی را در دست گرفته بودند، اما به ناگاه در دقیقه ۳۶ بازی شوک اول به بارسلونا وارد شده و ماسکرانو پس از برخوردی که با کوین گامیرو داشت با کارت قرمز مستقیم داور مواجه تا این تیم ادامه بازی را با یک یار کمتر ادامه دهد.

اما این پایان بد شانسی های کاتالان ها در این بازی نبود و در حالی که دقایق زیادی از نیمه دوم نگذشته بود، شوک دوم نیز به آن ها وارد شد و سوارز یکی از اضلاع MSN به دلیل مصدومیت زمین بازی را ترک کرد. اگرچه بالاخره در دقایق پایانی نیمه دوم بازی، نیمار پس از فراری تماشایی، با تکل از پشت بانگا متوقف شد تا داور یکی از بازیکنان سویا را نیز اخراج کند. با توجه به این اخراج و مساوی شدن تعداد بازیکنان دو تیم، ورق بازی برگشت و این بارسا بود که در وقت های اضافه به رهبری مسی کنترل بازی را در دست گرفت و خود این بازیکن آرژانتینی در دقیقه ۹۷ بازی پاسی تماشایی را برای آلبا مهیا کرد تا این بازیکن اسپانیایی با ضربه ای دقیق بارسا را جلو بیاندازد.

در ادامه، باز هم بارسا سوار بر بازی بود و همین باعث شد تا در دقیقه ۱۲۰ دنیل کارخو یکی دیگر از بازیکنان سویا نیز از زمین اخراج شود و بارسا در آستانه قهرمانی در این رقابت ها قرار بگیرد. اگرچه این آخرین فعل و انفعال جدی در این بازی نبود و در حالی که به نظر می رسید بازی با همین نتیجه به پایان می رسد، در پی همکاری عالی بین نیمار و مسی، بازیکن برزیلی با ضربه ای عالی برای دومین بار دروازه سویا را باز کرده تا شاگردان انریکه در این بازی شطرنج گونه به برتری قاطع تری رسیده و در فاصله هشت روز، دومین قهرمانی خود در این فصل را نیز جشن بگیرند.

تاکتیک (از آغاز تا امروز)

شاید تصور کنید که مقوله تاکتیک، منحصر به فوتبال مدرن است و نمی توان این لغت را برای فوتبال کلاسیک و ابتدایی، قائل شد. با ما همراه باشید تا ضمن تغییر این عقیده، با مهمترین تغییرات و انقلاب های تاکتیکی تاریخ فوتبال، آشنا شوید.

۱. بازی ترکیبی؛ دهه ۱۸۷۰

فوتبال مدرن، شدیدا بر پایه پاس بنا شده است، اما این روش، همواره روش پیش فرض محسوب نمی شد. فوتبال در روزهای ابتدایی اش، با دریبل معنا می شد. بازیکن ها توپ را در اختیار می گرفتند و سپس به طور مستقیم به سمت دروازه حریف یورش می بردند و هم تیمی ها بیشتر وظیفه "پشتیبانی" از بازیکن صاحب توپ را داشتند تا در زمان از دست رفتن توپ، وارد عمل شده و مالکیت را باز پس بگیرند. اگر بخواهیم در مورد تفکرات یک بازیکن صاحب توپ صحبت کنیم، فوتبال در قرن نوزدهم، شباهت بسیار بیشتری به بازی راگبی داشت، تا فوتبال مدرن: پاس به ندرت رد و بدل می شود و اکثرا، رفت و آمد مکرر فاکتور اساسی محسوب می شد.

البته یک روش دیگر هم در آن زمان وجود داشت، که به آن، بازی گسترده گفته می شد. در دهه ۱۸۷۰، کوینز پارکی ها فوتبال اسکاتلند را تحت سلطه داشتند و برای بازی خود مقابل انگلستان در سال ۱۸۷۲، تمامی بازیکنان اسکاتلند را دور هم جمع کردند.

اگرچه انگلیسی ها بازیکنان قوی تری داشتند و استایل اصولی تری از فوتبال را ارائه می دادند، اما بازیکنان اسکاتلندی، به خوبی در قالب یک تیم بازی می کردند - آن ها حمله هایی با چند بازیکن تدارک می دیدند و توپ را بین یکدیگر رد و بدل می کردند.

این روش تعجب بازیکنان انگلیسی را بر انگیخته بود و اساسا در مفهوم موجود در مورد فوتبال، نمی گنجید؛ در واقع این ایده که توپ می تواند با قصد قبلی به بازیکنی که موقعیت بهتری از بازیکن صاحب توپ دارد، ارسال شود، تا آن زمان وجود نداشت. این روش ترکیبی، مسلماً، از استعداد بازیکنان تا آنجا می شد استفاده کرد و مفهومی به نام "هماهنگی تیمی" را مطرح ساخت. و باز هم مسلماً، این ایده ابتدا در تمام بریتانیا، و سپس در تمام اروپا، پخش شد و مورد استفاده قرار گرفت.

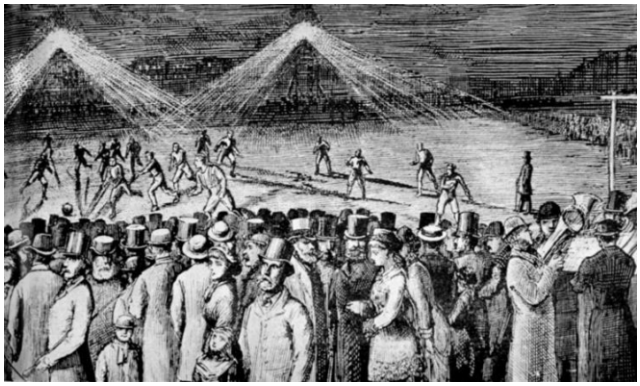

تأثیرپذیری یک هنرمند از دیدار انگلستان و اسکاتلند در سال ۱۸۷۲؛ با وجود تساوی بدون گل بازی، استایل اسکاتلندی ها بشدت مورد استقبال مردم قرار گرفت

۲. ترکیب WM دهه ۱۹۳۰

در حالی که این روزها تاکتیک و چینش، مفاهیمی هستند که گاهی به دلیل نزدیک بودن معنا، به جای هم استفاده می شوند، اما اکثر پیشرفت های تاکتیکی فوتبال، در مورد استایل بوده است، تا شکل. البته، WM یک استثناء محسوب می شود.

سیستم "هرمی" - همان ۳-۵-۲ - تا اواسط دهه ۱۹۲۰، حاکمیت مقتدرانه ای بر دنیای فوتبال داشت، تا اینکه در آن زمان، تغییراتی در قانون آفساید به وجود آمد. بر اساس آن، مهاجمین در هنگام دریافت توپ، باید به جای سه بازیکن، تنها دو بازیکن حریف را بین خود و دروازه تیم مقابل، داشته باشند. در اوایل قرن بیستم، تیم ها به ارزش تله آفساید پی بردند، اما تغییر اعمال شده، مقابله با آن را به شدت سخت تر کرد و ریسک آن را بالا برد. چرا که تیم ها می توانستند با سرعت بسیار بالاتری حمله کنند.

هربرت چپمن، سرمربی تیم آرسنال، به این نتیجه رسید که وفق پیدا کردن با قانون جدید آفساید، بسیار ضروری است. چپمن از هافبک میانی اش - که در واقع بازیکن میانی خط هافبک هرمی شامل سه بازیکن محسوب می شد - خواست که کمی عقب تر بیاید و تقریبا بین دو مدافع وسط تیم - اما کمی جلوتر - قرار بگیرد و تقریبا با آن ها یک خط دفاع سه نفره را تشکیل بدهد. این نکته، مفهوم دفاع کردن را به کلی تغییر داد و بنیانی محکم تر برای نقاط دیگر تیم، ساخت.

به دلیل اینکه عقب رفتن هافبک میانی، فضایی خالی در میانه میدان به وجود می آورد، مهاجمین پوششی کمی عقب تر می آمدند و اجازه می دادند تا مهاجم نوک و وینگرها، کمی جلوتر از آن ها بازی کنند. ترکیب عملا به شکل ۲-۳-۲-۳ شد که به آن، WM می گویند. با این پیشرفت، تیم ها حالا تعداد بازیکنان کافی در عقب زمین خود داشتند و خط هافبک خود را هم تقویت شده می دیدند؛ دیگر تاکتیک تیم ها، حمله همه جانبه نبود.

۱۹۳۱: آرسنال در حال نمایش شش جام قهرمانی خود که آن را با چینش WM بدست آورد

پوشکاش در سیستم مجارها بسیار درخشید و تبدیل به چهره ای بین المللی شد

۳. سیستم منطقه ای مجارستان؛ دهه ۱۹۵۰

پیروزی پر گل ۶-۳ مجارستان مقابل انگلیس در سال ۱۹۵۳، یکی مشهورترین دیدار های تاریخ فوتبال است. در آن دیدار، انگلیس رسما از لحاظ تاکتیکی، در مقابل مجارستان قافیه را باخت. مهمترین نکته ای که در مورد نمایش خیره کننده مجارها وجود داشت، نسبتا ساده بود: آن ها بازیکنان انگلیس را با استفاده از بازیکنان کلیدی خود در نقش هایی که حریف تصورش را هم نمی کرد، کاملا گیج کردند.

نندور هیدگوتی، مهاجم تیم مجارستان، اگرچه در مجموع ستاره محسوب نمی شد، اما نقشی اجتناب ناپذیر در نمایش تیم ملی کشورش داشت. او پیراهن شماره ۹ را به تن داشت و به همین دلیل انتظار می رفت که در پست مهاجم قرار بگیرد و در جنگی فیزیکی با مدافعان وسط انگلیس، حضور یابد. در عوض، او در فاصله بسیار زیادی نسبت به هری جانستون، مدافع وسط انگلیس قرار گرفته بود و تقریبا به عنوان یک هافبک اضافی، پاس های ساده ای برای هافبک ها و خصوصا چهار مهاجم تیمش، فراهم می کرد.

مجارستان از لحاظ دفاعی هم کاملا متفاوت عمل کرد. یوزف زاکاریاس، یک هافبک بود اما آنقدر عقب رفت تا به عنوان یک مدافع میانی دوم به کار گرفته شود، و با این کار مدافعین کناری تیمش را به کناره زمین فرستاد تا در جایی که امروزه می بینیم، قرار بگیرند. این ایده به سرعت در همه جا پخش شد و خیلی زود، بازی با چهار دفاع، به عنوان یک ترکیب پیش فرض برای تیم ها تعیین شد. اما دستاورد های مجارستان، بسیار بزرگتر از این ها بود؛ آن ها هنر قرار دادن مهاجمین در فضاها، به جای قرار گرفتن مقابل یک حریف را، به تمامی دنیا یاد دادند.

نشریه هواداران حرفه‌ای بارسا
نیوز کمپ
FCBarcelona.ir

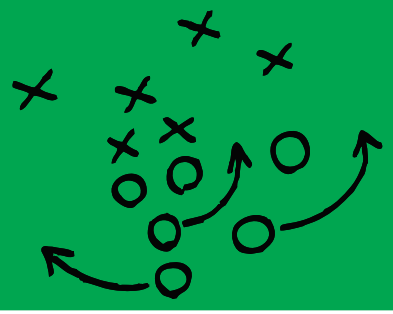

۴. کاتناچیو؛ دهه ۱۹۶۰

لفظ "کاتناچیو" - به معنای دستگیره در - معمولا برای بیان یک فوتبال دفاعی به کار می رود، اما در واقع یک سیستم دفاعی خاص است که مفهوم نحوه دفاع کردن در فوتبال را تغییر داد، و تأکید بسیار زیادی بر مفهوم سوییپر داشت.

اگرچه کارل راپن، سرمربی اتریشی، اولین کسی بود که از یک سوییپر پشت دفاع استفاده کرد، اما نرئو روکو آن را با تیم فوتبال تریستیانا به دنیا شناساند. او همواره سیستم خود را تغییر می داد، اما نقطه مشترک تمام سیستم های او، حضور یک سوییپر در آن بود.

این باعث شد تا هلنیو هررا، سرمربی آرژانتینی، این سیستم را در اینتر میلان پیاده کند. در تیم او، یک سوییپر پشت سر چهار مدافعی حضور می یافت که به آن ها مسئولیت های سخت گیرانه یارگیری نفر به نفر داده شده بود و از آن ها خواسته می شد تا فوتبالی فیزیکی و بسیار خشن به نمایش بگذارند. سوییپر پشت سر آن ها به عنوان یک یدک محسوب می شد و عملا از مدافعینی که جلوی او قرار داشتند، پشتیبانی می کرد.

به طور واضح، این باعث می شد که اینتر در جلوی زمین با تعداد کمتری در مقابل حریف حاضر شود و معمولا نمی توانست میانه زمین را در اختیار داشته باشد و یا موقعیت های فراوانی در حمله ایجاد کند. هررا معتقد بود که تیم هایی که از سبک او کپی برداری کرده اند، این کار را بسیار دفاعی تر از آنچه باید، انجام داده اند، و تمام تمرکز خود را بر روی سوییپر گذاشته اند و مدافع کناری سرعتی ندارند تا با آن بتوانند حمله های سریعی تدارک ببینند.

با این اوصاف، بسیاری از تیم ها به دنبال این بودند که در عقب زمین خود، تعداد بازیکن بیشتری از حریف داشته باشند و تمرکز کامل خود را روی گل نخوردن قرار می دادند.

هررا در حال توضیح تاکتیک برای ساندرو مازولا

۵. توتال فوتبال؛ دهه ۱۹۷۰

احتمالا قابل احترام ترین نوآوری تاریخ فوتبال، "توتال فوتبال" رینوس میشل بود که آن را در آژاکس، بارسلونا و تیم ملی هلند با تأکید بر محدود کردن یارگیری نفر به نفر، به اجرا در آورد.

در تیم های میشل، بازیکنان پست ثابتی نداشتند، و به طور مرتب جای خود را تغییر می دادند تا ساختار تیم حریف را به هم بریزند. بازیکنان در این سیستم، باید می توانستند که در دفاع، هافبک و حمله بازی کنند و در حالی که شاید قابل باور نبود، یک تیم همه جانبه را بسازند: هلند دفاع خود را از جلو، و حمله خود را از عقب زمین آغاز می کرد.

در حالی که گاهی به نظر می رسید که توتال فوتبال، همان حرکت مکرر بازیکنان به آنجا که می خواهند، است، اما در واقعیت این روش، بسیار سیستماتیک تر بود: بازیکنان معمولا جای خود را در خطوطی عمودی با هم عوض می کردند؛ برای مثال، یک مدافع راست به جلو می رفت و سپس یک هافبک راست، در جای او قرار می گرفت. معمولا جابجایی های افقی اتفاق نمی افتاد.

یوهان کرایف، مهمترین مهره در این سبک از فوتبال به حساب می آمد: او روی کاغذ یک مهاجم نوک بود، اما به همه جای زمین حرکت می کرد و در پست های کلیدی تری قرار می گرفت. وظیفه هم تیمی های او این بود که پس از حرکات او، سریعا جای خالی ایجاد شده را پر کنند. در واقع، کلیدی ترین نکته این سیستم هم، همین بود: (همیشه به دنبال فضای خالی باش، و آن را پیدا کن)

کرایف، مهمترین مهره در انقلاب تاکتیکی هلند با توتال فوتبال در دهه ۱۹۷۰ بود

۶. تیکی تاکا؛ دهه ۲۰۱۰

شما می توانید رد موفقیت های بارسا و اسپانیا در فوتبال مدرن را، در تمامی این تاکتیک ها بیابید، اما بین سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، آن ها بیشـترین تأکید را بر مالکیت توپ، در طول تاریخ فوتبال داشتند.

آن ها که همواره به دنبال این بودند تا با داشتن بازیکن های بیشـــتری در میانه زمین، آن منطقه را از آن خود کنند، به طرز غیر قابل توقفی، مالکیت توپ را در اختیار داشتند. ضد حمله، بسیار کم دیده می شد؛ آن ها در عوض به جای حمله سریع، ترجیح می دادند که از فضـا استفاده کنند و مالکیت توپ را در مناطق میانی، حفظ کنند.

در حالی که بارسا رسما یک تیم هجومی محسوب می شد، اسپانیا از مالکیت توپ، بیشـتر به عنوان یک تاکتیک دفاعی استفاده می کرد. آن ها در حالی قهرمانی جهان در سال ۲۰۱۰ را جشـــن گرفتند که در هفت مسابقه، تنها ۸ گل به ثمر رساندند (که گل فینال در وقت های اضافی به ثمر رسید)، اما توانســتند که در هر چهار بازی مرحله حذفی، دروازه خود را بســـــته نگه دارند. خیلی زود، همه تیم های اروپایی تمرکز خود را بر مالکیت توپ گذاشتند.

البته در حال حاضر این روش چندان محبوبیت ندارد: تیم هایی که تاکتیکی مبتنی بر ضـد حمله دارند، در چند سال اخیر غالب بوده اند و حتی بارسلونا هم به طرز قابل توجهی رو به بازی مستقیم آورده است. باید منتظر ماند و دید که آیا تیکی تاکا یک میراث نهایـی بـرای خود دارد یا خیـر. اما آن دیوانگـی اولیه برای در اختیار داشتن مالکیت توپ، نشـــان می دهد که تاکتیک های فوتبال، هیچگاه از کامل شدن دست بر نخواهند داشت و این مسیر همچنان ادامه دارد.

بارسلونا تیم بی دفاع

بارسلونا لالیگای ۲۰۱۵/۱۶ را با ۲۸ گل خورده به پایان رساند و این به معنای کمترین گل خورده پس از اتلتیکو مادرید دیگو سیمئونه و یک آمار قابل قبول برای خط دفاع بارسلونا می باشد. موفقیت آماری برای مدافعین بارسلونا به یک عادت تبدیل شده، اما هواداران می دانند که این موفقیت نه به واسطه قدرت مدافعین تیم، که برخاسته از سبک بازی بارسلونا است.

در واقع سبک تیکی تاکای بارسلونا فارغ از همه مزایایی که در بعد تهاجمی دارد، بهترین راهکار کاتالانها در بعد تدافعی نیز به شمار می رود. همه تیم های جهان در هر درجه از قدرت مقابل این سبک اجبارا به عقب رانده شده و توپ و میدان را به بارسلونا می دهند؛ درنتیجه اکثر زمان بازی در اختیار بارسلونا بوده و میزان بازی روی دروازه این تیم به حداقل می رسد. همین نکته رمز اصلی موفقیت آماری بارسلونا به لحاظ دفاعی و سرپوش گذاشتن بر ضعف های مفرط مردان دفاعی تیم است. ضعف هایی که در بازی های حساس و در معدود - لحظاتی که مدافعان بارسا به کلیدی ترین بازیکنان تیم تبدیل می شوند - به خوبی عیان می شود.

میانگین پایین قدی را می توان نخستین ایراد این خط دفاعی دانست که حتی از نگاه بینندگان آماتور فوتبال هم قابل تشخیص است. ضعفی که به طرز حیرت انگیزی در طول سالها مربیان و مدیران باشگاه اصرار بر حفظ آن داشته اند. در میان مدافعان ثابت بارسلونا، تنها جرارد پیکه بلند قد محسوب می شود که او هم نسبت به قدش مهارت پایینی در زدن ضربات سر دارد.

هواداران بارسا هنوز به یاد دارند که در دوران گواردیولا در فینال جام حذفی ۲۰۱۰/۱۱، آدریانوی ۱۷۳ سانتیمتری بود که باید روی سر رونالدو ضربه سر را می نواخت که در انجام ماموریت غیرممکن ناکام ماند و بارسا جام حذفی را تقدیم دشمن دیرینه کرد؛ یا آن بازی رفت و برگشت کذایی مقابل بایرن در دوران تیتو ویلانوای فقید. این ضعف حتی با روی کار آمدن انریکه هم برطرف نشد. برای اثبات این ادعا می توان به گل دوم رئال مادرید در بازی برگشت ال کلاسیکو اشاره کرد؛ سانتر ارسالی گرت بیل را که هیچکدام از مدافعان بارسا نتوانستند بودند با سر دفع کنند، رونالدو با سینه مهار کرد و در درون دروازه جای داد تا سرآغازی باشد بر سقوط آزاد بارسا؛ سقوطی که بارسا را تا آستانه از دست دادن لالیگا برد، جایی که ۱۲ امتیاز از رئال مادرید پیشی گرفته بودند و لیگ قهرمانان اروپا را از مسی و یارانش گرفت.

نکته طعنه آمیز آنکه سند حذف بارسا را آنتوان گریزمن فرانسوی، مهاجم ۱۷۵ سانتیمتری اتلتیکو مادرید با ضربه سرش امضا کرد. در حقیقت می توان گفت ضعف دفاع کوتاه قامت هیچگاه در بارسلونا از بین نمی رود بلکه از یک مربی به مربی دیگر انتقال پیدا می کند!

اشتباهات فردی ویرانگر

ضریب اشتباهات بالا دیگر فاکتور کشنده ای است که در خط دفاعی بارسلونا رواج بسیار دارد. پیکه، آلبا و به خصوص ماسکرانو به عنوان عناصر اصلی دفاعی بارسلونا استعداد اعجاب انگیزی در ارسال پاس های اشتباه، دفع توپ غلط، اشتباهات کودکانه و حتی گل به خودی های زیبا دارند.

پیکه بعد از قهرمانی سال ۲۰۱۱ اروپا شدیدا افول کرد و هرگز آن بازیکن سابق نشد. طی ۵ سال اخیر با وجود بعضی بازی های خوب در بسیاری از بازی ها ضعیف ظاهر شده است. از نمایش ضعیف و گل به خودی در بازیهای معروف ۷ - ۰ مقابل بایرن یوپ هاینکس تا بازی های بی تمرکز امسالش؛ به نظر می رسد پیکه در این مدت بیشتر در شبکه های اجتماعی فعالیت داشته تا تمرینات باشگاه!

ماسکرانو، دیگر مهره اصلی قلب دفاع بارسا اساسا یک مدافع نیست. او هافبکی است که به اجبار به خط دفاع آمده و برخلاف خواستش در این پست گمارده شده است. ماسکرانو علیرغم تکل های خوب و تعصب بی نظیرش، فیزیک مناسب برای بازی در

قلب دفاع را ندارد و تحت فشـــــار به راحتی مرتکب اشتباه می شود. در واقع تعداد اشتباهات خنده دار ماسکرانو طی این سالها از شمارش خارج شده است.

جوردی آلبا، مدافع اصلی سمت چپ بارسلونا نیز هرگز در فاز دفاعی مهره قابل اتکایی نبوده است. آلبا که با ۱۷۰ سانتیمتر از کوتاه قد های بارسا محسـوب می شود، همانند ماسکرانو تحت فشـــار به یک بازیکن آماتور تبدیل می شود. گل به خودی زیبایش در شکست معروف فصل گذشته در آنوئتا یکی از گواهان پر شمار این حقیقت است. سرعت بالا مشخصه اصلی بازی این بازیکن است که آن هم به دلیل ضعف شدید در ارسال پاس نهایی بی اثر می شود و عملا در فاز تهاجمی نیز سمت چپ بارسلونا را فلج می کند.

دیگر مدافعان تیم نیز هرگز نتوانسته اند استحکام لازم را به خط دفاع ببخشند.

از سویی، توماس فرمالن که ۲ سال قبل با مبلغ ۱۹ میلیون یورو از آرسـنال خریداری شـد نیز معمولا در کنار یار جدایی ناپذیر خود "مصدومیت" به سر می برد!

متیو، مدافع فرانسوی اما در کنار اشتباهاتی جزئی، در اکثر بازی هایی که به میدان رفته پاشنه آشیل تیم بوده است. از جمله تسـاوی ۲-۲ در ال مادریگال و یا تسـاوی ۲-۲ مقابل لاکرونیا در نیوکمپ و بسـیاری بازی های دیگر. با این وجود شایعات زیادی مبنی بر جایگزینی اومتیتی و قرار گرفتن او در این پسـت به جای متیو به گوش می رسد. شاید مدیران تیم تصمیم به اعمال تغییرات در خط دفاعی گرفته اند!

مارک بارترا دیگر مدافع بارسـا که به عنوان یک اسـتعداد جوان از تیم های پایه به تیم اصـلی آمده بود، با وجود درخشش های مقطعی با چند تزلزل جایگاهش را از دست داد و پس از نیمکت نشـینی های زیاد با مبلغ اندک ۸ میلیون یورو به دورتموند فروخته شد.

بطور کلی با فاکتور گرفتن از ۳ فصل ابتدایی حضور پیکه می توان گفت بعد از دوران رایکارد هیچ دفاع وسط مطمئنی به بارسلونا اضافه نشـده است. این ضعف در نفرات دفاعی به خصـــوص بعد از خداحافظی کارلس پویول، کاپیتان افسانه ای بارسلونا ضربات مهلکی به این تیم وارد کرده است.

شاید بتوان دنی آلوز را بهترین عضو از مجموعه دفاعی بارسا پس از دوران گواردیولا دانسـت. بازیکنی که در پسـت دفاع راست بهترین یا حداقل یکی از بهترین بازکنان ۱۰ سـال اخیر فوتبال جهان بوده اسـت. هماهنگی رویایی با لیونل مسـی، پاس گل های کلیدی در فاز حمله، سرعت بالا و سختگیری زیادش در فاز دفاعی - البته در این مورد در سالهای اخیر تنزل داشته اسـت - دنی آلوز را به یک مهره بی جانشین برای بارسلونا تبدیل کرده است. حالا دنی آلوز به یوونتوس پیوسـته و به نظر می رسـد باشـگاه برنامه ای برای خرید بازیکنی سـطح بالا در این پست نداشته باشد.

الکس ویدال، دیگر بازیکنی که سال گذشته به عنوان مدافع راسـت خریداری شـده بود، نیم فصل اول را به دلیل محرومیت حاصل از شاهکارهای ساندرو راسل (مدیر سابق بارسا) از دست داد و در نیم فصـل دوم نیز نتوانسـت اعتماد انریکه را جلب کند؛ بطوریکه در بازی های پیاپی حتی در لیسـت ۱۸ نفره خبری از او نبود. در معدود بازی هایی هم که به میدان می رفت، کیفیت بالایی ارائه نمی داد. در صـورتی که الکس ویدال همان بازیکنی باشـد که در نیمه ابتدایی سال ۲۰۱۶ نشـان داد، ضیافت خط دفاع بارسلونا برای مهاجمان حریف کامل خواهد شد!

هشـتمین مورد از عجایب هشـتگانه جهان اینکه مربیان، هواداران و حتی بازیکنان بارسلونا به بازی تخریبی بوسکتس در راس این خط دفاع قدرتمند دل بسته اند!

چه خواهد شد؟

به عقیده نگارنده، با توجه به وضعیت دفاعی تیم در حال حاضر بهتر اسـت هواداران بارسـلونا به جای رویا پردازی برای قهرمانی در جام های مختلف، آرزوی فصـلی آبرومند را داشته باشند. امری که شاید با جادوی Msn محقق شود.

هفته های لیگ
زیر ذره بین

لالیگا ۲۰۱۵/۱۶ با همه تب و تابش به پایان رسید و آبی و اناری ها که فصل گذشته یک هفته زودتر از پایان لیگ با شکست مردان سیمئونه قهرمانی را در مادرید جشن گرفتند، در این فصل جشن قهرمانی را در هفته آخر و با پیروزی ۰-۳ در زمین گرانادا برپا کردند. لالیگا ۲۰۱۵/۱۶ نکات مثبت زیادی داشت. از رکورد شکنی گرفته تا ۲۳ هفته بدون شکست متوالی. حتما به یاد دارید که کاتالان ها ۳۹ بازی پشت سر هم نباختند و از این حیث در اسپانیا رکوردار شدند و رئال مادرید (۳۴ بازی بدون شکست) را پشت سر گذاشتند. اگر بخواهیم دقیق تر بگوییم به این عدد می رسیم: ۱۸۳. درست است! بارسلونا ۱۸۳ روز بدون باخت را در همه رقابت ها (لالیگا، حذفی و لیگ قهرمانی) پشت سر گذاشت و در نهایت به قهرمانی دو جام داخلی اسپانیا دست یافت. حال وقت آن رسیده تا فصل پر فراز و نشیب بارسلونا را مورد بررسی قرار دهیم.

هفته اول [بارسلونا ۱-. اتلتیک بیلبائو]
استادیوم: سن مامس
گل ها: سوارز (دقیقه ۵۴)

بارسلونا هفته اول مقابل باسکی ها قرار گرفت. همان تیمی که در فینال جام حذفی ۲۰۱۴/۱۵ با نتیجه ۳-۱ شکست داده بود اما در سوپرکاپ اسپانیا مقابل این تیم در مجموع دو بازی رفت و برگشت متحمل شکست ۵-۱ شد و دستش از ۶ گانه کوتاه ماند. بارسا حاکم توپ و میدان بود، اما بیلبائو در پرسینگ بسیار عالی عمل کرد. دقیقه ۱۸ بازی دنی آلوز با خطایی که خیلی جدی به نظر نمی رسید، متوقف شد ولی احساس درد انریکه را مجبور به تعویض کرد. به این ترتیب سرجی روبرتو اولین تعویضی فصل ۲۰۱۵/۱۶ لقب گرفت و به جای آلوز وارد زمین شد. ۱۲ دقیقه بعد اولین پنالتی فصل برای بارسا به آمد. مسی پشت توپ ایستاد اما ایرایزوز مانع از ثبت اولین گل مسی در فصل جدید شد. نیمه اول ۰-۰ به پایان رسید. نیمه دوم حملات خطرناک و شجاعانه آبی و اناری ها بالاخره نتیجه داد و دقیقه ۵۴ سوارز روی ارسال دقیق آلبا با ضربه ای فوق العاده بارسا را ۱-۰ پیش انداخت. بیلبائو که در لاک دفاع فرو رفته بود، پس از دریافت این گل برای به تساوی کشاندن بازی حملاتی را روی دروازه بارسا انجام داد که بی نتیجه بود. دقیقه ۶۵ نوبت به بوسکتس رسید که به خاطر مصدومیت زمین بازی را ترک کند. بارترا جای او را در زمین گرفت. حملات بیلبائو در ادامه بازی نیز نتیجه ای برای این تیم نداشت و شاگردان انریکه در اولین گام، با امتیاز کامل در یکی از دشوارترین بازی های خارج از خانه، زمین را ترک کردند.

هفته دوم [بارسلونا ۱-. مالاگا]
ورزشگاه: نیوکمپ
گل ها: فرمالی (دقیقه ۷۲)

پس از انتقام گیری از اتلتیک بیلبائو، نوبت به مالاگا رسیده بود. بارسا که باید تمام تلاش خود را می کرد تا از سد مستحکم دفاعی مالاگا - همان تیمی که انگار در برابر تیم های مادریدی حتی به دفاع فکر هم نمی کند - عبور کند. در دقیقه سوم بازی، بعد از ارسال ضربه کرنر راکیتیچ، توپ مستقیما روی سر سوارز قرار گرفت و او نیز توانست آن را وارد دروازه مالاگا کند؛ اما درست در همان لحظه، صدای سوت داور نوید پذیرفته نشدن گل را می داد. به اعتقاد او، مرد شماره ۹ بارسلونا مدافع حریف را هل داده بود. در طول بازی نیز، چند باری ضربات دیدنی نیمار و تا حد زیادی سوارز و مسی، با سیو های خوب کامنی، دروازه بان سخت کوش مالاگا رو به رو شد و مانع از گلزنی MSN گردید. در دقیقه ۶۳ بازی بود که لوئیز انریکه تشخیص داد که رافینیا باید جانشین آلوز شود. سرانجام در دقیقه ۷۲ اُم، در پی شوت محکم سوارز از کنار زمین و برخورد آن با دستان کامنی، توپ به فرمالن رسید و او نیز توانست با پای چپ خود دروازه رها شده کامنی را بگشاید و این طلسم را پایان بخشد. بعد از گلزنی که خیال انریکه تا حدودی راحت شده بود، در دقیقه ۷۸ ساندرو را به جای نیمار وارد زمین کرد و در دقیقه ۹۰ بازی نیز متئو به میدان رفت.

اتلتیکو تیم مورد علاقه لوچو به شمار می رود. شاگردان سیمئونه که در زمان سرمربیگری تاتا مارتینو، بلای جان آبی و اناری ها شده بودند، از زمان ورود انریکه به بارسا در همه تقابل های قبلی خود از کاتالان ها شکست خورده بودند. هر دو تیم با دو پیروزی در دو مسابقه اول پا به میدان مسابقه گذاشتند. مسی به خاطر تولد فرزندش و غیبت در تمرینات، بازی را از روی نیمکت آغاز کرد. در همان دقایق ابتدایی بازی، فرناندو تورس یک موقعیت خوب را از دست داد و در ادامه بارسلونا حملاتی را روی دروازه اوبلاک پی ریزی کرد، اما راه به جایی نداشت و حتی ضربه لوئیز سوارز روی کرنر ایوان راکیتیچ به تیر عمودی دروازه اصابت کرد. بدین ترتیب بارسلونا در سومین بازی نیز، با تساوی ۰-۰ به رختکن رفت. یکی از نکات جالب توجه این بازی این بود که داور مسابقه می توانست برای هر دو تیم یک بار اعلام ضربه پنالتی کند اما به وضوح از خطای هند خیمنز در نیمه اول و ماسکرانو در نیمه دوم چشم پوشید. با شروع نیمه دوم اتلتیکو خیلی زود به گل رسید. فرناندو تورس در دقیقه ۵۱ روی پاس عمقی تیاگو صاحب توپ شد و ضربه اش پس از برخورد به تیر دروازه به تور چسبید. بارسلونا تنها ۴ دقیقه زمان نیاز داشت تا این گل را پاسخ دهد. نیمار با یک ضربه کاشته دیدنی بارسا را به بازی برگرداند. ۵ دقیقه بعد مسی به جای راکیتیچ وارد زمین شد تا شرایط را به سود بارسا تغییر دهد. فوق ستاره آرژانتینی یکی دو بار با حرکات انفرادی خود مدافعان حریف را به هم ریخت تا این که در دقیقه ۷۷ روی پاس سوارز و با ضربه ای بیرون پا گل پیروزی بخش بارسا را به ثمر رساند و ۳ امتیاز دیگر را به حساب بارسا واریز کرد. بارسا با این پیروزی ارزشمند به صدر جدول بازگشت!

هفته سوم [اتلتیکو مادرید ۱-۲ بارسلونا]
استادیوم: ویسنته کالدرون
گل ها: نیمار (دقیقه ۵۵)، مسی (دقیقه ۷۷)

هفته چهارم [بارسلونا ۴-۱ لوانته]
ورزشگاه: نیوکمپ
گل ها: بارترا (دقیقه ۵۰)، نیمار (دقیقه ۵۶)، مسی (دقایق ۶۰ و ۸۹)

ترکیب متفاوت ۴-۲-۳-۱ انریکه، بدون حضور سوارز و اینیستا، باید به مصاف لوانته ای می رفت که با پنج دفاع به میدان آمده بود. به همین دلیل نیمه اول بازی با تساوی بدون گل به پایان رسید اما در نیمه دوم ورق برگشت؛ در دقیقه ۵۰اُم بازی، مارک بارترا سانترحساب شده مسی را با سینه کنترل کرد و با یک ضربه نرم گل اول را به ثمر رساند. ۶ دقیقه بعد نیز سانتر آلوز درست در مقابل دروازه به نیمار رسید و او نیز با یک بغل پای فنی و پس از آن دبل لایی، حساب کار را ۲-۰ کرد. در دقیقه ۶۰ نوبت به مسی رسیده بود؛ فرناندز بوربالان، داور مسابقه با زمین خوردن نیمار در محوطه جریمه، یک پنالتی نصیب بارسلونا کرد. کاپیتان لئو پشت توپ ایستاد و به راحتی آن را به زیر طاق دروازه روبن فرستاد. بعد از این گل لوئیز انریکه گومبائو را جایگزین بوسکتس کرد. کرنر بازیکنان لوانته با خروج نا به هنگام تراشتگن همراه شد تا کاسادسوس به آسانی، دروازه خالی سنگربان آبی و اناری ها را بگشاید. در دقیقه ۷۵اُم مسی یک پنالتی برای بارسا گرفت و خود نیز پشت توپ ایستاد، اما آن را از بالای دروازه به بیرون فرستاد تا گل چهارم به تعویق بیفتد. در دقیقه ۸۹اُم خود لئو اشتباهش را جبران کرد. او با حرکت در عرض و یک ضربه زمینی به کنار دروازه، گل چهارم بارسا و گل دوم خود را به ثبت رساند.

مردان لوئیز انریکه که هر ۴ بازی قبلی خود را با پیروزی پشت سر گذاشته بودند، در هفته پنجم به سد محکم سلتاویگو برخوردند. بر خلاف انتظارات، بازی با حملات خطرناک شاگردان بریزو آغاز شد. تیم میزبان با پرسینگ شدید، مدافعان بارسا را تحت فشار قرار داد و موقعیت های خطرناکی نیز ایجاد کرد اما هیچ کدام تبدیل به گل نشدند. در مقابل بارسا، روی یک ضد حمله می توانست توسط مسی به گل برسد اما دروازبان حریف مانع شد. برتری بارسا دقایقی ادامه یافت اما دقیقه ۲۶ این نولیتو بود که دروازه تراشتگن را باز کرد. در حالی که بارسا برای جبران گل خورده جلو کشیده بود، دقیقه ۳۰ روی اشتباه جرارد پیکه در کنترل توپ باعث شد تا یاگو آسپاس صاحب توپ شود و در مصاف تک به تک، سنگربان آلمانی را مغلوب کند. تلاش بارسا برای گلزنی در نیمه اول بی نتیجه بود و دو تیم با نتیجه ۲-۰ به رختکن رفتند. بارسا در نیمه دوم شکل هجومی تری به خود گرفت اما بدشانسی های این تیم تمامی نداشت. ضربه لیونل مسی در همان دقایق ابتدایی نیمه دوم به تیر دروازه برخورد کرد. آسپاس در دقیقه ۵۵، تیر خلاص را به بارسا زد. در حالی که همه بازیکنان بارسا روی ضربه کرنر وارد زمین حریف شده بودند، ضد حمله برق آسای سلتاویگو این تیم را در دقیقه ۵۵ به گل سوم رساند. دوباره این آسپاس بود که در جدال تک به تک دروازه بارسا را باز کرد. روند بازی همین گونه ادامه یافت و حملات بارسا، ضد حملات خطرناک سلتا را به همراه داشت. در دقیقه ۸۰ نیمار روی پاس مسی پشت مدافعان حریف صاحب توپ شد و یکی از گل های خورده را جبران کرد. سلتاویگو دست بردار نبود. ۳ دقیقه بعد نفوذ هوگو مایو از سمت راست و ارسال او داخل محوطه جریمه به جان گیدتی رسید و او پس از کنترل توپ با ضربه ای مناسب گل چهارم را وارد دروازه کرد تا اولین شکست کاتالان ها در هفته پنجم رقم بخورد.

هفته پنجم [سلتاویگو ۴-۱ بارسلونا]
استادیوم: بالایدوس
گل ها: نیمار (دقیقه ۸۰)

هفته ششم [بارسلونا ۲-۱ لاس پالماس]
ورزشگاه: نیوکمپ
گل ها: سوارز (دقایق ۲۴ و ۵۳)

یک پیروزی تلخ! بارسای انریکه لاس پالماس را در حالی شکست داد که در دقیقه ۱۰اُم بازی، مصدومیت مسی، کام هواداران را تلخ کرده بود. همه چیز از دقیقه سوم بازی شروع شد، مسی یک حرکت نمایشی را آغاز کرده بود و به سمت دروازه می تاخت اما علاوه بر ناکامی، درست در کنار خط دروازه، در پای چپ خود احساس ناراحتی کرد اما لحظاتی بعد بلند شد و چند دقیقه ای بازی کرد تا نهایتا بین دقایق ۸ تا ۱۰ بازی، بازوبند کاپیتانی خود را درآورد و از زمین خارج شد تا مونیر الحدادی جایگزین او شود. در دقیقه ۲۴اُم بازی سرجی روبرتو از روی پاس مونیر یک سانتر عالی روی دروازه لاس پالماس ایجاد کرد و سوارز نیز با یک ضربه سر گل اول را زد. گل دوم در حالی به ثمر رسید که توپ با پاس مونیر الحدادی و گذر از بین پاهای بوسکتس به سوارز رسید. تعلل ماسکرانو در میانه زمین و توپ ربایی مهاجم حریف و سپس ارسال آن به یار خود، جاناتان ویرا، لاس پالماس را به گل رساند.

هفته هفتم [سویا ۲-۱ بارسلونا]
استادیوم: سانچز پیزخوان
گل ها: نیمار (دقیقه ۷۵)

اولین دیدار آبی و اناری ها در غیاب طولانی مدت لئو مسی! دیدار با سویا جدا از نتیجه می تواند تداعی کننده یک اتفاق خوب باشد. حقیقت این است که بارسا پس از این بازی، به طور متوالی ۳۹ بازی بدون شکست را پشت سر گذاشت. سویا در شرایطی پا به میدان مسابقه گذاشت که در ۶ هفته قبل نتایج مطلوبی کسب نکرده بود و در رتبه شانزدهم جدول قرار داشت. هر دو تیم با انبوهی از بازیکنان مصدوم پا به میدان مسابقه گذاشتند. بارسلونا می توانست در دقایق ابتدایی توسط نیمار به گل برسد اما سرجیو ریکو به زیبایی ضربه او را دفع کرد. چند دقیقه بعد نوبت به سویا رسید تا رو ضربه سر گامیرو به گل برسد اما براوو که پس از چند بازی بالاخره به ترکیب تیم بازگشته بود، روی خط توپ را مهار کرد. در ادامه نیز موقعیت های دو تیم راه به جایی نداشت. در دقیقه ۲۳ ضربه آزاد نیمار به تیر دروازه برخورد کرد. توپ پس از برخورد به پشت دروازبان سویا در امتداد خط دروازه شروع به حرکت کرد اما مدافع سویا توپ را از روی خط بیرون کشید و روی ریباند، سوارز نتوانست توپ را وارد دروازه کند. نیمه اول با تساوی بدون گل به پایان رسید. بارسا نیمه اول را مانند نیمه دوم هجومی آغاز کرد اما دوباره دروازبان جوان سویا، نیمار را در گلزنی ناکام گذاشت. پس از آن سویا بازی را در اختیار گرفت و در ۶ دقیقه طوفانی دو بار به گل رسید. دقیقه ۵۲، کوین گامیرو با نفوذ از جناح راست پس از جا گذاشتن متیو کرون دلی را صاحب توپ کرد و این بازیکن، آندولسی ها را پیش انداخت. بازیکنان بارسلونا هنوز خودشان را جمع و جور نکرده بودند که در دقیقه ۵۸ کرون دلی توپ را روی دروازه براوو ارسال کرد و ایبورا با ضربه سر، تیم میزبان را به گل دوم رساند. لوئیز انریکه پس از دریافت دو گل، اقدام به تعویض کرد و آلوز و ساندرو را به جای متیو و مونیر به زمین مسابقه فرستاد. بارسلونا که چیزی برای از دست دادن نداشت، یکپارچه حمله شد اما انگار روز، روز نیمار نبود و هر چه می زد، به سد ریکو برخورد می کرد. در دقیقه ۷۵ بارسا صاحب یک ضربه پنالتی شد. ضربه ساندرو رامیرز به دست تریمولیناس برخورد کرد و داور نقطه پنالتی را نشان داد. نیمار که در بازی قبل مقابل لاس پالماس پنالتی خود را از دست داده بود، این بار موفق شد پنالتی اش را تبدیل به گل کند و اختلاف را به حداقل برساند. بدشانسی های بارسا در این بازی تمامی نداشت! دقیقه ۸۱، پاس سوارز داخل محوطه به ساندرو رسید اما ضربه این بازیکن به جای آن که به گل دوم بارسا تبدیل شود، تیر عمودی دروازه سویا را به لرزه درآورد. تلاش بازیکنان بارسا برای گلزنی در ادامه مسابقه نیز بدون نتیجه بود و بارسا در چهارمین بازی خارج از خانه، متحمل دومین شکست فصلش شد.

هفته هشتم [بارسلونا ۵-۲ رایووایکانو]
ورزشگاه: نیوکمپ
گل ها: نیمار (دقایق ۲۲، ۳۲، ۶۹ و ۷۰) و سوارز (دقیقه ۷۷)

این پیروزی پرگل در غیاب مسی، بار دیگر نشان داد که بارسا به مسی، برخلاف رئال به رونالدو، وابسته نیست. نیمار به خوبی نبود مسی را جبران کرده بود با این حال در دقیقه ۱۴اُم بازی، پاس گل دقیق خاوی گوئرا را صاحب توپ کرد و او نیز براووی بارسا را مغلوب خود کرد. اما نیمار در دقایق ۲۲ و ۳۲ با دو حرکت استثنایی، دو پنالتی را نصیب بارسا کرد و خود نیز آنها را به گل تبدیل کرد. نیمه اول با همان نتیجه ۲-۱ تمام شد اما در دقیقه ۶۹اُم نیمه دوم، بعد از اینکه تونیو ضربه سوارز را دفع کرد، توپ در برابر نیمار قرار گرفت و او برای سومین بار دروازه رایو را باز نمود. تنها یک دقیقه بعد از هت تریک نیمار، خود او مجددا گلزنی کرد. حمله سریع سوارز و پاس دقیق او به نیمار، بارسا را صاحب گل چهارم کرد. گل پنجم عکس گل چهارم به ثمر رسید؛ این بار نیمار پاس گل را برای سوارز فرستاد تا او نیز سهمی در این جشنواره گل داشته باشد. دفع ناقص توپ توسط براوو، فرصت را در اختیار یوزابد سانچز قرار داد تا با یک ضربه، در دقیقه ۸۶اُم بازی، نتیجه را ۵-۲ کند.

هفته نهم [بارسلونا ۳-۱ ایبار]

استادیوم: نیوکمپ

گل ها: سوارز (دقایق ۲۱، ۴۸، ۸۵)

بدون احتساب بازی با لاس پالماس، این سومین بازی لالیگا بود که بارسلونا بدون مسی پا به زمین مسابقه می گذاشت. بنابراین عجیب نبود که تمام نگاه ها به دو مهره دیگر خط حمله یعنی نیمار و سوارز باشد. بر خلاف انتظار تیم میهمان بازی را بهتر آغاز کرد. اشتباه مارک بارترا در دقیقه ۱۰، فرصت ضدحمله را نصیب بازیکنان ایبار کرد و پس از این که براوو ضربه ککو را برگرداند، بورخا باستون روی ریباند دروازه بارسا باز کرد. برتری ایبار چندان دوام نیاورد و سوارز در دقیقه ۲۱ توسط ساندرو صاحب توپ شد و دروازه را باز کرد. این گل بازی را متعادل کرد. هر دو تیم فرصت هایی در ادامه نیمه اول به دست آوردند اما توپی از خط دروازه ها عبور نکرد. در نیمه دوم طبیعتا بارسا باید برای پیروزی در خانه تلاش می کرد. این اتفاق افتاد و تنها ۳ دقیقه پس از آغاز نیمه دوم حرکت نیمار از سمت چپ و پاس او به سوارز، مهاجم اروگوئه ای را صاحب موقعیت گلزنی کرد و شوت تماشایی او به دومین گل بارسا منجر شد. بارسا در نیمه دوم کاملا بر بازی مسلط شده بود و موقعیت های خوب زیادی خلق کرد. از دیگر اتفاقات جالب توجه این بازی می توان به اخراج ماسکرانو اشاره کرد که به خاطر اعتراض و توهین به داور مسابقه با کارت قرمز رو به رو شد اما دو دقیقه بعد دوباره نیمار، سوارز را در موقعیت گلزنی قرار داد تا شماره ۹ آبی و اناری ها هت تریک خود را کامل کند. بدین ترتیب هفتمین پیروزی فصل برای بارسا رقم خورد و این تیم با ۲۱ امتیاز در کنار رئال مادرید به صدرنشینی ادامه داد.

هفته دهم [ختافه ۰-۲ بارسلونا]

ورزشگاه: کولیسیوم آلفونسو پرز

گلزنان: سوارز (دقیقه ۳۷) و نیمار (دقیقه ۵۸)

بارسا با تسلط بر توپ و بازی کار خود را آغاز کرد و ختافه که باید در پی ضد حملات به دنبال موقعیت می گشت، چندان موفق نبود. سرانجام بعد از تلاش های بی ثمر بازیکنان بارسا و مواجه شدن آنها با در بسته، حرکت زیبای نیمار در سمت چپ زمین و ارسال توپ به محوطه جریمه، با ضربه حساب شده سرجی روبرتو به سوارز رسید و او در دقیقه ۳۷اُم بارسا را ۱-۰ پیش انداخت. پس از حمله ای نصفه و نیمه ختافه، هنگامی که توپ به کلودیو براوو رسید و او نیز ضدحمله سریعی را آغاز کرد، نهایتا نیمار، روی پاس تماشایی سرجی روبرتو، با یک ضربه سر نتیجه را ۲ بر ۰ به سود بارسا کرد.

هفته یازدهم [بارسلونا ۳-۰ ویارئال]

استادیوم: نیوکمپ

گل ها: نیمار (دقیقه ۶۰، ۸۵)، سوارز (دقیقه ۷۰)

در این بازی نیوکمپ محو هنرمایی نیمار و سوارز شد. هرچند بارسا در نیمه اول موفق به گلزنی نشد اما درخشش دو ستاره خط حمله در یک بازی سخت سه امتیاز حساس را برای تیم لوئیز انریکه به ارمغان آورد. بازی متعادل آغاز شد؛ هرچند بارسایی ها بیشتر صاحب توپ و میدان بودند اما پرسینگ بازیکنان ویارئال اجازه خلق موقعیت را به آن ها نمی داد و موقعیت های بارسا در اواخر نیمه اول نیز نتیجه ای در بر نداشت. نیمه دوم با بازی هجومی بارسا آغاز شد و در همان دقایق ابتدایی یک موقعیت بسیار خوب از دست رفت اما سرانجام پاس در عمق بوسکتس در دقیقه ۶۰ نیمار را در موقعیت گلزنی قرار داد و او تیمش را ۱-۰ پیش انداخت. بازیکنان بارسا پس از گل همچنان به حملات خود ادامه دادند و ۱۰ دقیقه بعد خطای کاستا روی مونیر ال حدادی، یک ضربه پنالتی نصیب بارسا کرد. سوارز پشت توپ ایستاد و گل دوم را وارد دروازه کرد. زیردریایی های زرد در نیمه دوم کاملا مقهور و محو بازی بارسا شده بودند و کاتالان ها علی رغم این که دو گل از حریف پیش افتاده بودند، کنترل بازی را در اختیار داشتند. سوارز در دقیقه ۸۵ نیمار را صاحب توپ کرد و ستاره برزیلی با تکنیک ناب خود، با زیبایی هر چه تمام تر مدافع حریف را از پیش رو برداشت و با ضربه ای تماشایی برای سومین بار قفل دروازه ویارئال را گشود تا بارسا مقابل یکی از سرسخت ترین حریفانش با نتیجه دلچسب پیروز شود.

هفته دوازدهم [رئال مادرید ۰-۴ بارسلونا]

ورزشگاه: سانتیاگو برنابئو

گلزنان: سوارز (دقیقه ۱۱)، نیمار (دقیقه ۳۹)، اینیستا (دقیقه ۵۳) و سوارز (دقیقه ۷۴)

ال کلاسیکوی رفت لالیگای ۲۰۱۵/۱۶ با سوت بوربالانی کلید خورد که در هفته چهارم، در بازی بارسا و لوانته، دو پنالتی برای آبی و اناری ها گرفت. اولین گل بازی توسط کاتالان ها به ثمر رسید؛ یک پاس عمقی زیبا از طرف سرجی روبرتو برای لوئیز سوارز و ضربه دیدنی او، نتیجه بازی را ۱-۰ به سود بارسا کرد. در دقیقه ۲۶اُم، ماسکرانو به علت مصدومیت زمین را ترک گفت و متئو جانشین او شد. گل دوم نیز در دقیقه ۳۹اُم با پاس در عمق اینیستا، توسط نیمار، نصیب بارسایی ها شد. در گل سوم اما اینیستا گلزن بود نه گلساز؛ در یک موقعیت یک و دوی فوق العاده، شوالیه از پشت محوطه جریمه رئال، دروازه ناواس را باز کرد. دقیقه ۵۵ام بازی نوبت مسی بود که وارد زمین شود. ۱۱ دقیقه بعد، مسی در یک موقعیت عالی بود و فرصت گلزنی داشت اما برخورد توپ به واران مانع از گلزنی ستاره آرژانتینی در اولین بازی خود پس از مصدومیت دو ماهه اش شد. گل چهارم نیز توسط سوارز پس از تک به تک با دروازه بان رئالی ها به ثمر رسید. در دقیقه ۸۴اُم ایسکو به دلیل خطا روی نیمار، اخراج شد تا رئال مابقی بازی را ۱۰ نفره بازی کند. بنزما، مونیر و رونالدو تا پایان بازی موقعیت هایی برای گلزنی داشتند اما به ثمر ننشستند.

هفته سیزدهم [بارسلونا ۴-. رئال سوسیداد]

استادیوم: نیوکمپ

گلزنان: نیمار (دقیقه ۲۲-۵۳)، سوارز (دقیقه ۴۲)، مسی (دقیقه ۹۲)

آبی و اناری ها که با پیروزی ۴-۰ در ال کلاسیکو با دست پر از مادرید برگشته بودند، در نیوکمپ هم همان نتیجه بازی قبل را مقابل سوسیداد بحران زده تکرار کردند. بازی طبق معمول با حملات بارسا آغاز شد و دقیقه ۳ سوارز می توانست بارسا را به گل او برساند اما سنگربان سوسیداد مانع شد. دقایقی بعد بار دیگر دروازه حریف به شدت تهدید شد. این بار نوبت اینیستا بود تا شانس خود را برای گلزنی بیازماید اما ضربه سر کاپیتان بارسا به تیر دروازه اصابت کرد. حملات ادامه دار آبی و اناری ها بالاخره نتیجه داد و سانتر دنی آلوز در دقیق ۲۲ با ضربه سر نیمار به ۱۳اُمین گل فصل ستاره برزیلی تبدیل شد اما این پایان کار در نیمه اول نبود و در دقیقه ۴۲ دوباره روی ارسال دقیق دنی آلوز، این بار سوارز با ضربه ای تماشایی گل دوم را به ثمر رساند. مهاجم اروگوئه ای با این گل ۱۲ گله شد. بارسا در نیمه دوم نیز به حاکمیت خود بر توپ و میدان ادامه داد و تنها ۸ دقیقه بعد پاس عرضی جرمی متیو، نیمار را صاحب موقعیت کرد تا او گل دوم خودش و گل سوم بارسا را در این مسابقه و ۱۴اُمین گل لالیگایی اش را به ثبت برساند. به نظر می رسید که خیال لوئیز انریکه از بابت پیروزی راحت شده است؛ چرا که سه مهره خط دفاعی خود (آلوز، متیو ماسکرانو) را تعویض کرد و آدریانو، آلبا و بارترا را به جای آن ها به زمین فرستاد. سوسیداد که به ندرت توانسته بود حتی به محوطه جریمه بارسا نزدیک شود، در دقیقه ۷۵ می توانست یکی از گل های خورده را جبران کند اما این موقعیت نیز راه به جایی نبرد. چند موقعیت بعدی این تیم نیز با بی دقتی بازیکنان و واکنش های براوو به گل تبدیل نشد تا بازی همچنان ۰-۳ باقی بماند. بالاخره بارسا به حملات سوسیداد پاسخ داد اما شوت لئو مسی به تیر دروازه برخورد کرد تا این بازیکن پس از رهایی از مصدومیت و بازگشت دوباره به میادین، برای به ثمر رساندن گل در لالیگا انتظار بکشد. البته این انتظار چندان طولانی نشد و در دقیقه ۹۲ روی پاس نیمار برای بار چهارم دروازه سوسیداد را باز کرد تا کاتالان ها با اقتدار به صدرنشینی در لالیگا ادامه دهند.

هفته چهاردهم [والنسیا ۱-۱ بارسلونا]

ورزشگاه: مستایا

گلزنان: سوارز (دقیقه ۵۸)

باز هم ضد فوتبال، این بار با نمایش والنسیا! دفاع مطلق والنسیا، تماشاگران حاضر در مستایا را از تماشای یک بازی زیبا شد، محروم کرد. خشونت و ترس از مصدومیت، هر لحظه بارسا را تهدید می کرد. سرانجام در دقیقه ۵۸، شوت بلند مسی از میانه زمین در حوالی محوطه جریمه به سوارز رسید و او نیز از گوشه زمین، توپ را به طاق دروازه کوباند. در ادامه بازی سانتی مینا علی رغم تلاش پیکه و ماسکرانو دروازه براوو را باز کرد تا حساب کار ۱-۱ شود.

هفته پانزدهم [بارسلونا ۲-۲ دپورتیوو]

استادیوم: نیوکمپ

گل ها: مسی (دقیقه ۳۹)، راکیتیچ (دقیقه ۶۲)

دوباره دپورتیوو، دوباره نیوکمپ و دوباره همان نتیجه فصل قبل! بارسلونا که تا پیش از این بازی با اقتدار حریفانش را در هم کوبیده بود، بار دیگر به ایستگاه تیم سختکوش لاکرونیا رسید. حتما به خاطر دارید که این دو تیم فصل گذشته در هفته های ۱۹ و ۳۸ لالیگا به مصاف یکدیگر رفته بودند اما به خاطر مسجل شدن قهرمانی بارسا یک هفته پیش از پایان لیگ، عملا بازی هفته آخر تشریفاتی شده بود. دپورتیوو در مقایسه با فصول قبل در بهترین شرایط خود قرار داشت. رتبه ششم لالیگا؛ چیزی که تا ۱۲ سال پیش برای این تیم بی سابقه بود. بازی با حملات بارسلونا آغاز شد اما دو موقعیت کاتالان ها در همان ۱۰ دقیقه ابتدایی از دست رفت. ۵ دقیقه بعد دپورتیوو این حملات را پاسخ داد اما براوو در مصاف تک به تک با رودریگز، موفق تر عمل کرد و توپ را به کرنر فرستاد. تلاش بارسا برای گلزنی تا دقیقه ۳۹ بی نتیجه بود تا این که لئو مسی روی یک ضربه کاشته فوق العاده قفل دروازه را شکست و نیمه اول با نتیجه ۱-۰ به پایان رسید. در نیمه دوم با وجود این که بارسا برای رسیدن به گل دوم تلاش می کرد، دپورتیوو خیلی زود می توانست بازی را به تساوی بکشاند اما ضربه جاناتان رودریگز راهی به چارچوب دروازه پیدا نکرد. ۶ دقیقه بعد این بارسا بود که به گل دوم دست یافت اما کمک داور مسابقه پرچم خود را بالا برد تا گل لوئیز سوارز مردود اعلام شود. تلاش های بارسا برای گل دوم بالاخره نتیجه داد و ایوان راکیتیچ در دقیقه ۶۲ با شوتی سنگین دروازه لوکس را گشود تا خیال هواداران از بابت پیروزی راحت شود. اما این پایان کار نبود! دپورتیوو با حملات زهردار در پی جبران دو گل خورده برآمد اما دو دقیقه پس از این که گل این تیم در دقیقه ۷۷ آفساید اعلام شد، لوکاس پرز روی یک پاس عمقی در موقعیت تک به تک قرار گرفت و اختلاف را به ۱ گل رساند. بازیکنان دپورتیوو که با این گل جسورتر شده بودند، به حملات خود ادامه دادند و این بار زننده گل اول آن ها در نقش گلساز ظاهر شد و برگانتینیوس را صاحب موقعیت گلزنی کرد تا در دقیقه ۸۵، نتیجه ای ناباورانه رقم بخورد. بارسا با این تساوی دو امتیاز ارزشمند خانگی را از دست داد و جایگاهش در صدر جدول به خطر افتاد.

هفته شانزدهم [خیخون ۱-۳ بارسلونا]

ورزشگاه: ال مولینون

گلزنان: مسی (دقایق ۲۵ و ۳۱) و سوارز (دقیقه ٦٧)

ارتش کاتالونیا این بار باید برابر تیم هم شهری سرمربی خود بازی می کرد. پس از ۲۵ دقیقه حمله بارسا و دفاع خیخون، سرانجام لیونل مسی موفق به گشودن دروازه حریف شد؛ کینگ لئو که پشت محوطه جریمه به توپ رسیده بود، بعد از یک حرکت در عرض و شلیکی دقیق، توپ را به گوشه دروازه ارسال کرد. دو دقیقه بعد اما کارلوس کاسترو حساب کار را ۱-۱ کرد. روی یک ضد حمله سریع، ارسال الخاندرو مندس نزدیک خط دروازه بارسا به کاسترو رسید و او نیز با یک بغل پای خوب، کار را تمام کرد. کار تماشایی لوئیز سوارز در محوطه جریمه و پاسی که برای مسی فرستاد، بعد از شوت مهار ناشدنی او، نتیجه را ۲-۱ به نفع لشکر تشنه کاتالان ها کرد. لوئیز سوارز که در دقیقه ۱ ۶اُم پنالتی از دست داده بود، در صدد جبران آن برآمد و به لطف پاس الکس ویدال، توپ را به گوشه دروازه فرستاد.

هفته هفدهم [بارسلونا ۴-. رئال بتیس]

استادیوم: نیوکمپ

گل ها: وسترمن (دقیقه ۳۰، گل به خودی)، مسی (دقیقه ۳۳)، لوئیز سوارز (دقایق ۴٦ و ۸۳)

این دیدار آخرین بازی دو تیم در سال ۲۰۱۵ بود. مهم ترین نکته این بازی شکستن رکورد بی بی سی بود. مثلث شگفت انگیز خط حمله بارسا با به ثمر رساندن ۴ گل در این مسابقه، تعداد گل های خود را در سال ۲۰۱۵ به عدد ۱۸۰ رساندند و جهان را انگشت به دهان کردند. بازی متعادل شروع شد و همین گونه ادامه یافت. موقعیت چندانی روی دروازه دو تیم خلق نشد تا این که دقیقه ۲۲ اشتباه دنی آلوز، دنی کابایوس را در موقعیت تک به تک با کلودیو براوو قرار داد اما مدافع برزیلی با یک تکل هوشمندانه اشتباه خود را جبران کرد و توپ را به کرنر فرستاد. دقیقه ۲۸ فرار مسی روی پاس بوسکتس و برخورد او با آدان، دروازبان بتیس، داور مسابقه را مجاب کرد تا اعلام ضربه پنالتی کند که مشکوک به نظر می رسید. نیمار پشت توپ ایستاد اما پایش لیز خورد و توپ به تیر دروازه اصابت کرد. روی ریباند پیش از آن که ایوان راکیتیچ به توپ برسد، وسترمن دروازه خودشان را باز کرد. ۳ دقیقه بعد، یک و دوی موفق مسی و نیمار به گل دوم بارسلونا انجامید و ستاره آرژانتینی اختلاف را به ۲ گل رساند. موقعیت های دو تیم در ادامه نیمه اول نیز راه به جایی نبرد و نتیجه در نیمه اول ۲-۰ باقی ماند. سوارز در نیمه دوم برای تمام کردن کار بتیس تنها ۱ دقیقه زمان نیاز داشت و در دقیقه ۴۶ برای بار سوم آدان را مغلوب کرد. در ادامه بازی، بازیکنان بارسا به جای تور دروازه، تیر دروازه حریف را هدف قرار داده بودند و یک بار ضربه دنی آلوز، دو بار ضربه نیمار و دو بار ضربه آزاد لئو مسی به تیر دروازه برخورد کرد تا این تیم برای گل چهارم تا دقیقه ۸۳ صبر کند. نیمار با یک پاس زیبا سوارز را صاحب توپ کرد و مهاجم اروگوئه ای دومین گل خودش و چهارمین گل بارسا در این مسابقه و نهایتا آخرین گل سال ۲۰۱۵ را برای غول های کاتالان به ثمر رساند.

هفته هجدهم [اسپانیول ۰-. بارسلونا]

ورزشگاه: استادی کورنلا-ال پرات

گلزنان: -

بارسایی که در انتهای سال ۲۰۱۵ با ۱۷۹ گل زده کریسمس خود را جشن گرفته بود، در دربی بارسلون، به تساوی ۰-۰ رضایت داد. اولین موقعیت جدی این دربی در دقیقه ۲۰اُم توسط لوئیز سوارز ایجاد شد اما ضربه ای که زد، وارد دروازه حریف نشد. دقیقه ۳۸اُم که می پشت ضربه ایستگاهی ایستاده بود، همگان منتظر جادوی او بودند اما ضربه او به تیر افقی دروازه اسپانیول برخورد کرد و به بیرون رفت. در دقیقه ۵۴ام نیز سوارز موقعیت گلزنی داشت اما باز هم تیر دروازه به عنوان مدافع اسپانیول ظاهر شد. خشونت بی حد و اندازه بازیکنان اسپانیول فرصت ایجاد موقعیت و گلزنی را از بارسا گرفته بود و حواشی مسابقه فرصت تماشای یک فوتبال زیبا را از تماشاگران گرفته بود. سرانجام بارسا با نتیجه ۰-۰ در خانه حریف متوقف شد. این اولین بازی آبی و اناری ها در لالیگا بود که آن ها نتوانستند گلزنی کنند. شاگردان انریکه تا پیش از این بازی در ۱۷ مسابقه ۴۳ بار دروازه حریفان را باز کرده بودند.

هفته نوزدهم [بارسلونا ۴-. گرانادا]

استادیوم: نیوکمپ

گل ها: مسی (دقایق ۸،۱۴ و ۵۸)، نیمار (دقیقه ۸۳)

بارسا در این هفته به مصاف گرانادایی رفت که فصل قبل در دو بازی رفت و برگشت، ۹ بار دروازه این تیم را گشوده بود. بنابراین همگی انتظار یک بازی پرگل را می کشیدند. نکته مهم این بازی این بود که آردا توران و الکس ویدال دو خرید تابستانی بارسا که به خاطر محرومیت فیفا تا ماه ژانویه قادر به بازی نبودند، بالاخره توانستند با لباس آبی و اناری در لالیگا ظاهر شوند. جوردی آلبا در همان دقایق ابتدایی روی پاس فوق العاده مسی می توانست بارسا را پیش بیندازد اما قطار سریع السیر سمت چپ آبی و اناری ها در مصاف تک به تک به دروازبان گرانادا موفق عمل نکرد. بارسا قبل از دقیقه ۱۰ به گل رسید. پاس عمقی دقیق آردا توران که محرومیت ۶ ماهه اش به پایان رسیده بود، به مسی رسید و او به سادگی دروازه گرانادا را باز کرد. دقیقه ۱۴ همکاری عالی MSN بارسا را به گل دوم رساند. دوباره مسی زننده این گل بود. در دقیقه ۲۸ اختلاف می توانست به ۳ گل برسد اما همکاری سوارز و ویدال و در نهایت ضربه مسی، راهی به درون چارچوب دروازه پیدا نکرد. نیمه اول با همین نتیجه به اتمام رسید. کسی انتظار نداشت که گرانادا برای جبران نتیجه به آب و آتش بزند. بنابراین بازی همچنان با برتری و میدان داری بارسا ادامه یافت. لئو مسی در دقیقه ۵۸ هت تریک خود را کامل کرد. این بار سرجی روبرتو در متن کار قرار داشت. او نیمار را صاحب توپ کرد اما تیر دروازه مانع از گلزنی او شد. مسی روی ریباند زودتر از مدافعان گرانادا به توپ رسید و برای بار سوم دروازه را باز کرد تا ۹اُمین گل فصلش در

لالیگا را به ثمر برساند. لوئیز انریکه دست به تعویض زد و دو بازیکن جدید خود یعنی ویدال و آردا را بیرون کشـــــید و به جای آن ها دنی آلوز و آدریانو را به زمین فرستاد. تلاش بازیکنان گرانادا نه تنها برای گلزنی بی نتیجه بود بلکه آن ها نتوانســـتند مانع از گلزنی بیشـــتر شاگردان انریکه بشـــوند. بدین ترتیب همکاری مسی و آلوز پاس عرضی سوارز و ضربه تمام کننده نیمار، به گل چهارم بارسا انجامید. بارسا با این نتیجه ۴۲ امتیازی شد.

این پایان کار بارسا در نیم فصل اول لالیگا ۲۰۱۵/۱۶ بود. آبی و اناری ها در نیم فصـل اول ۱۴ پیروزی به دست آوردند، ۳ بار با نتیجه مسـاوی متوقف شدند و ۲ بار نیز متحمل شکست شدند. تنها سلتاویگو و سویا در نیم فصل اول توانستند کاتالان ها را مغلوب کنند. تساوی های بارسا نیز مقابل والنسـیا (۱ - ۱)، دپورتیوو (۲-۲) و اسـپانیول (۰-۰) رقم خورد. لازم به ذکر اسـت که از ۵ بازی نام برده شـــــده فقط بازی با لاکرونیا در نیوکمپ برگزار شـــــد

یوهان کرایف

JOHAN CRUYFF

من فرصت زیادی برای آموزش دیدن نداشتم. بنابراین همه چیز را در عمل یاد گرفتم؛ انگلیسی را هم

بازیکن - مربی - میراث

وقتی یک نوجوان یتیم به نام یوپی کرایف شـــــروع به تمرین با تیم نخست آژاکس کرد، بسیاری از بازیکنان قدیمی تیم نخست، او را از سال ها قبل از آن زمان، می شناختند. خانه کرایف، در قسمت شرقی آمســـــتردام، و در فاصله چند هزار یاردی از ورزشگاه کوچک باشگاه آژاکس، قرار داشت. او زمانی که تنها چهار سال داشت، وقتش را در ورزشـــگاه و در رختکن تیم می گذراند. با این همه، او هم تیمی های جدیدش را کاملا شـــگفت زده کرد. تنها هوش او نبود، که آن ها را تحت تأثیـــر قـــرار داده بود، بلکه چیـــزی که بیش از همه آن ها را به تعجب وا می داشت، دهان او بود. حتی وقتی توپ را در اختیار داشت، این نوجوان دست از سخنرانی کردن بر نمی داشت. او به هم تیمی هایش که اکثرا ملی پوش بودند، می گفت که باید چطور و کجا بدوند، و به طرز دیوانه کننده ای، معمولا حق با او بود!

یوهان کرایف بازیکن را تصور کنید، زمانی که توپ را در اختیار دارد، و توسط حریفان محاصره شده؛ اما با شور و نشاط خاصی به جهت های مختلفی اشاره می کند، انگار که با یک رهبر ارکســـترا که بســـیار هم سرش شلوغ است، روبرو هســـتید. فرقی نمی کرد که اوضاع از چه قرار است، او همواره به هم تیمی هایش (و داور، و کمک های او و سرمربی تیم ملی اش) می گفت که باید چه بکنند. گاهاً او دست از اشاره کردن و حرف زدن بر می داشـــت، تا از مدافع مقابلش عبور کند؛ او تا ســـی سالگی اش هم، آن "سرعت در درونِ سرعت" را داشـــت قابلیتی برای سریع دویدن، در زمانی که دارید ســـریع می دوید! برای اینکه حتی بیشتر از این شگفت زده شوید، او نمی توانست با تمامی قسمت های پایش، به توپ ضربه بزند.

اما کرایف چیزی فراتر از یک فوتبالیســـت بزرگ بود. بر خلاف پله و مارادونا، او ایده های فوق العاده ای هم در مورد فوتبال داشت. طوری که انگار او هم لامپ روشنایی بود، و هم خود ادیسون! فهمیدنِ اینکه چه کســـی فوتبال بریتانیایی و یا برزیلی را " ابداع" کرد، غیر ممکن است. آن ها فراموش شده اند. اما، کرایف - و رینوس میشل، سرمربی او در آژاکس - فوتبال هلندی را ابداع کردند. فوتبالی که امروزه توسط هلند و بارسلونا بازی می شود، نسخه مدرنیزه شده آن چیزی است که این دو در اواسط دهه ۱۹۶۰ در آمســـتردام به وجود آوردند. و حالا هلندی ها هســـتند که خود را از استایل یوهان کرایف، و مهمتر از آن، از شخصیت عجیب و غریبش، جدا کرده اند.

یوهان کرایف (که نام واقعی اش کرویف است، اما خارجی ها کرایف را تـرجیح مـی دهند) در ۲۵ آوریل ۱۹۴۷، به دنیا آمد. پدرش، مانوس، یک خوار و بار فـــروش بود و با دادن میوه به آن ها، از آژاکس حمایت می کرد. کرایف عملا در باشگاه بزرگ شد. او انگلیســـی (که آن را خیلی خوب، شاید حتی بهتر از هلندی و اسپانیایی صحبت می کرد) را هنگام خوردن غذاهای گرم انگلیسی، در خانه سرمربیانِ انگلیسی آژاکس در دهه ۱۹۵۰ آموخت. او در سال ۲۰۰۰ در مصـــاحبه ای گفت: «من فرصت زیادی برای آموزش دیدن نداشتم. بنابراین همه چیز را در عمل یاد گرفتم؛ انگلیسی را هم».

او فقط یک کودک بود، هنگامی که مانوس گفت که او روزی ۱۰،۰۰۰ یورو خواهد ارزید و مرگ مانوس، هنگامی که یوهان تنها ۱۲ ســـال سن داشت، احتمالا نقطه عطف زندگی او بود. سال ها بعد، او هنوز هم گاهی شب ها در خانه اش در بارسلونا به آشپزخانه می رفت و با روح پدرش حرف می زد. یک پسر یتیم، در یک رختکن پر از مرد؛ او چاره ای نداشت جز اینکه از همه سرسخت تر باشد. و، بود. گزارش هایی وجود دارد که او در مونوپولی (بازی) تقلب کرد تا بچه های خودش را شکست بدهد.

قلب تپنده توتال فوتبال

در نخستین بازی یوهان کرایف با پیراهن آژاکس، این تیم ۳-۱ بازی را به تیمی به نام GVAV واگذار کرد. گزارشگر اکثرا نام او را اشتباه تلفظ می کرد. بعد از آن بازی، یوهان هفده ساله، برای مدتی در دیدار های خارج از خانه به میدان نرفت. مادرش، که رختکن آژاکس را تمیز می کرد، خواسته بود که او تنها در بازی های خانگی به میدان برود، زیرا امن تر است.

در آن روزها آژاکس ساز و برگی نیمه حرفه ای داشت و یک تیم محلی در شرق آمستردام محسوب می شد. اما دو ماه پس از نخستین حضور کرایف در تیم نخست، در تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۶۵، یک معلم ورزش که در مدرسه ناشنوایان کار می کرد، با اسکودای دست دوم خود از دروازه اصلی استادیوم دِ میر، به عنوان سرمربی جدید آژاکس، وارد این باشگاه شد - او کسی نبود جز، رینوس میشل. میشل یک ایده دیوانه کننده داشت: او می خواست آژاکس را به یک تیم سطح اول و بین المللی تبدیل کند. او در آن جا با یک بچه یتیم روبرو شد که بی نهایت جاه طلب بود. و در طول شش سال، آن ها به نقطه ای که میشل در فکرش بود، رسیدند.

سبکی که آن ها ابداع کردند، این روزها به نام "توتال فوتبال" شناخته می شود. سیاک سوارت، وینگر راست آن روزهای آژاکس می گوید: «ما هیچوقت با چنین اسمی آن را نمی شناختیم. انگلیسی ها انتخابش کردند». این یک بازی با سبک پاس های سریع تک ضرب بود و بازیکنان به طوری که انگار قرار نبود به پایان برسد، موقعیت خود را در زمین برای یافتن فضا تغییر می دادند. همه بازیکنان باید مانند یک بازیساز فکر می کردند. حتی دروازبان هم به عنوان کسی که حمله را آغاز می کند، شناخته می شد؛ انگار که او یک بازیکن تهاجمی است و از روی اتفاق دستکش به دست کرده است. وینگر ها و مدافعین کناری، به بازی عرض می دادند. این را دنیای فوتبال زمانی فهمید، که آژاکس، لیورپول را، در شبی که چنان پوشیده از مه بود که افراد به سختی قابل تشخیص بودند، ۵-۱ شکست داد.

البته کرایف و میشل خوش شانس هم بودند. ناگهان در همان دوران، نیمی از جوانان شرق آمستردام، فوتبالیست های حرفه ای از آب درآمدند. یک سیگاری کُند و البته عجیب و غریب به نام پیت کایزر، تبدیل شد به یک وینگر چپ خارق العاده. کوکی کرول، اسطوره مقاومت هلندی، پسری را تحویل آژاکس داد که تبدیل به یک مدافع شکست ناپذیر شد - رود کرول. و یکی از معدود یهودی های منطقه که از جنگ جان سالم به در برده بود، مردی که نامش سوارت بود، پسر کوچکش، سیاکی را روی دوچرخه اش می نشاند و با خود به ورزشگاه می برد.

اما کرایف خاص ترین بازیکن فوتبال، در شرق آمستردام بود. نگارنده زندگی او، نیکو شیفمیکر بعد ها عنوان کرد در حالی که بازیکنان بزرگ فوتبال، در آن زمان دو پا بودند (با هر دو پا خوب ضربه می زدند)، کرایف چهار پا بود! افراد بسیار کمی بودند که پیش از کرایف، با بیرون پای خود ضربه زدند. کرایف به عنوان کسی که سیگار پشت سیگار می کشید، به طرز خیره کننده ای سریع بود - «اگر آن ها همزمان با من شروع به دویدن می کردند، همواره دیرتر می رسیدند». او توضیح داد که سرعت، مقوله ای است که باید در آن دانست که حرکت چه زمانی آغاز شده است. می گفت: «فوتبال بازی ای است که شما با مغز خود انجامش می دهید». او مردی بود که از مریخ آمده بود و گفت: «مردم همیشه آن را اینطور انجام داده اند. اما در اشتباه بودند».

دوباره فکر کردن، دوباره ساختن، دوباره نوشتن

کرایف در مورد همه چیز، از پایه فکر می کرد، بدون اینکه به سنت اهمیت بدهد. زیباترین گل دوران ورزشی اش، این را کاملا اثبات می کند. آژاکس در یک بازی دوستانه به مصاف یک تیم آماتور رفته بود و دوربینی در کار نبود. اما به نظر می رسد که این اتفاق رخ داد: کرایف به سمت دروازه حرکت می کرد در حالی که دروازبان پیش آمده بود تا جلوی او را بگیرد. کرایف برگشت و با سرعت به سمت نیمه خودی دوید. دروازبان او را تا خط نیمه زمین دنبال کرد و آنجا بود که فهمید کرایف دیگر توپ را در اختیار ندارد.

در یک نقطه ای، او با پشـــت پا توپ را وارد دروازه کرده بود، بدون اینکه به آن نگاه بیندازد.

کرایف تنها مسـئولیت بازی خود را بر عهده نداشت. میشـــل به او گفته بود: «اگر یکی از هم تیمی هایت در حال ارتکاب یک اشـتباه اســـت، تو باید جلوی آن را بگیری». فرانک ریکارد، که بعدها هم تیمی کرایف و حریف مارادونا بود، اظهار داشـت که شـاید مارادونا بتواند در یک بازی به تنها پیروزی را به تیمش بدهد، اما نمی تواند مانند کرایف تاکتیک تیمش را برای کسب پیروزی، تغییر دهد.

کرایف کودکی از جنس زمان خودش بود. مانند فرانتس بکن بائر، و یا دانش آموزان خیابانی پاریس در ســـال ۱۹۶۸، او یک کودکِ بعد از جنگ بود، که برای به دست آوردن قدرت، نمی توانســـت لحظه ای مکث کند. بقیه، احترام سرشان نمی شد. قبل از کرایف، فوتبالیست های هلندی عادت داشتند که پشت در اتاق رئیسشان منتظر بمانند تا بشـــــنوند که کِی، و چقدر پول خواهند گرفت. کرایف آژاکس را با آوردن پدر زنش به عنوان کســـی که قرار است در مورد مســـائل مالی قراردادش با سران آژاکس صحبت کند، آن ها را شگفت زده کرد.

کرایف همه را در آژاکس دیوانه کرده بود. او هیچگاه دســـــت از صحبت کردن بر نداشت - با آن لهجه آمســـتردامی خاصش، و آن گرامر مخصوص به خودش، و آن اشتیاقش به استفاده تصـادفی از کلمات، و آن بالا انداختن شـــــانه هایش که به معنای پایان بحث بود. او یک بار در مورد دوران فوتبالی اش، در حالی که خود را دوم شخص در نظر گرفته بود، گفت: «نکته بد این بود که شما همیشه همه چیز را بهتر می دانســتید. یعنی، هر وقت که حرف می زدید، حق با شما بود».

شخصـــیت او به حدی پیچیده بود که میشـــــل نه یک، بلکه دو روانشـــناس استخدام کرد تا او را درک کند. کرایف همواره از ایده های جدید اســـــتقبال می کرد و از اینکه با آن ها حرف می زد، احسـاس خوبی داشت. یکی از آن ها، دلف گرانوالد، همه چیز را به اعتقاد زیاد کرایف به پدرش مربوط دانسـت: «او تمامی حرف ها را رد می کند، زیرا او به صورت ضمنی همه را با پدرش مقایســـه می کند. اگر او از این تفکر که میشـــل هیچگاه به خوبی پدرش نمی شود، دست بردارد، شاید بتوانیم پیشرفت هایی داشته باشیم».

گرانوالد می گفت که وقتی کرایف مواضع خود را در خطر می دید، بیشتر حرف می زد و عصبی می شد و زمانی که حس می کرد قانع شـده ایم، آرام می شـد: «و رفتارش کاملا تغییر می کرد. صـــدای آرام، نشسته، حتی گاهی دراز کشـیده، کم صحبت تر و گاهی هم با چشم هایی نسبتا نمناک».

بعد از اینکه میشـــل اعتماد خود به گرانوالد را از دست داد، کرایف نزد رولف زیون، دیگر روانشـناس باشگاه آژاکس فرستاد. جایی که او "کرایف" روی مبل می نشســـت و بی وقفه در مورد پدرزنش، کوستر، صحبت می کرد. اینجا همان نقطه گمشـــده نظریه فروید بود: اعتقاد به پدرزن.

تمام این حرف ها، شاید واقعا کارساز بود. آژاکس کرایف، بین سال های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳، سـه بار جام قهرمانی اروپا را بدســـت آورد.

یک تیم محلی، آن هم از کشوری که پیش از این هیچ افتخاری در فوتبال بدست نیاورده بود، تیمی که ورزشگاهش حتی برای حضور در لیگ دسته دوم انگلیس هم مناسب نبود، و بازیکنانی که حقوقشان حتی از یک مغازه دار هم کمتر بود، فوتبال را از نو ابداع کردند.

سپس آژاکس به باد رفت. یکی از اصلی ترین دلایلی که او از آژاکس رفت، قدرتی بود که خودش به وجود آورده بود. در سال ۱۹۷۳، بازیکنان آژاکس در یک هتل محلی دور هم جمع شدند تا کاپیتان خود را انتخاب کنند. اکثریت، رأی به کایزر دادند، در حالی که این کرایف بود که لیاقت کاپیتانی را داشت. او به بارسا رفت، و در نتیجه، آژاکس سقوط کرد. او دیگر نتوانست به عنوان بازیکن یک جام بین المللی بدست بیاورد.

مبلغی که بارسا برای کرایف پرداخت، بسیار زیاد بود "یک میلیون یورو " و دولت اسپانیا، چنین چیزی را نمی پذیرفت. بارسا در نهایت او را در حالی وارد اسپانیا کرد، که نام او به عنوان یک قطعه از یک دستگاه کشاورزی، ثبت شده بود. او دو گل در نخستین دیدارش با پیراهن بارسا به ثمر رساند، و در پایان فصل ۱۹۷۳/۷۴، او به همراه بارسا نخستین قهرمانی این تیم در لیگ، پس از چهارده سال را جشن گرفت. پس از آن بود که، او سریعا به جام جهانی آلمان غربی رفت.

یک مربی داخل زمین

تیم ملی هلند به طور کامل بر محور او می چرخید. این کرایف، کاپیتان تیم بود که به آری هان، که یک هافبک محسوب می شد، گفت که باید به عنوان یک لیبرو بازی کند (هان ابتدا به او گفت: «دیوانه شده ای؟»، اما مشخص شد که این یک ایده فوق العاده بوده است). این کرایف بود که جانی رپ، مهاجم جوان آژاکس را به تیم ملی آورد و گاهی در طول بازی ها رو به نیمکت فریاد می زد: «رپ باید گرم کند!».

آن یک ماه، بهترین ماهِ فوتبالی کرایف نبود، اما ماهی بود که بیشتر مردم دنیا او را، و سبکی که اختراع کرده بود را، می دیدند. برای بسیاری، کرایفی که می شناسند، کرایفِ تنها جام جهانی اوست.

او در آن تورنومنت رسما به عنوان مهاجم نوک بازی می کرد، اما همه جای زمین بود. او با سرعت به گوشه چپ می رفت و با داخل پای راستش سانتر می کرد. او به میانه میدان می رفت. به عقب زمین می رفت تا دستورات را فریاد بزند. آرسن ونگر یک بار داستانی در مورد کرایف گفت که در آن، او به میانه میدان می رود و به دو هافبک می گوید که جای خود را عوض کنند. سپس ۱۵ دقیقه بعد، او باردیگر نزد آن ها می رود و می خواهد که باز هم جای خود را با هم عوض کنند. ونگر می گفت که این نشان می دهد، بازی کردن توتال فوتبال، وقتی خودِ یوهان کرایف را در زمین ندارید، تا چه اندازه سخت است.

هلند برزیل را در نیمه نهایی شکست داد، اما پس از آن همه چیز بد پیش رفت. روز قبل از فینال، روزنامه بیلد آلمان غربی، گزارشی منتشر کرد که در آن ادعا شده بود کرایف و هم تیمی هایش در تیم ملی هلند، جشنی با محتوای نه چندان اخلاقی، در هتل خود بر پا کردند. کرایف تقریبا تمام شب قبل از فینال را پای تلفن بود و به همسر خود دنی توضیح می داد که همه این ها دروغی بیش نیست. این لحظه، برای مردی که در تمام زندگی اش در حال ساختن خانوده ای بود که در ۱۲ سالگی آن را از دست داده بود، لحظه ای سخت محسوب می شد؛ کرایف مانند جرج بست نبود. برادرش هنی می گوید: «آن تلفن باعث شد که در روز فینال،

او بازی ضعیفی از خود ارائه بدهد. اگر پدر ما آنقدر زود از دنیا نمی رفت، هیچ کدام از این اتفاقات نمی افتاد».

البته باید اشـــاره کرد که او در دقیقه اول بازی، نمایش فوق العاده ای داشت. او توپ را از لیبرو گرفت و سپس حدود نیمی از زمین را دوید و در نزدیکی های محوطه جریمه، با خطا متوقف شـــد. داور مسابقه، جک تیلور، که یک قصـــاب در ولورهمپتون بود، اشتباها یک ضربه پنالتی به سـود هلند اعلام کرد. اما پس از آن، کرایف در اکثر لحظات بازی در زمین خودی به ســـــــر می برد و به برتی فوگتس اجازه مـــی داد که کاملا او را از جـــریان بازی خارج کند: فوگتس موقعیت های بیشـــتری از کرایف برای گلزنی بدست آورد. هلند بازی را ۲ - ۱ واگذار کرد. در بازگشت به هلند، کرایف از ملکه هلند، جولیا در خواســـــت کرد که مالیات ها را برای آن ها حذف کند.

چهار سال بعدی کرایف در بارسلونا اکثرا نا امید کننده بود، و بدون هیچ جام مهمی. او از اضـــطراب شـــدیدی رنج می برد. او بعد ها گفت: «وقتی از آن [فوتبال] لذت نبرید، دیگر نمی توانید فشـار را تحمل کنید».

در ســـال ۱۹۷۸، در حالی که تنها ۳۱ ســـال داشـــت، از فوتبال خداحافظی کرد. او حتـــی از اینکه در جام جهانـــی ۱۹۷۸ آرژانتین حضور یابد، امتناع کرد. بسیاری معتقدند که او به دلیل مخالفتش با رژیم نظامی آرژانتین به این کشور سفر نکرد، اما اینطور نیســـت. او بعد از مســـائل مربوط به هتل تیمش در آلمان غربی، ترجیح داد برای "مسائل خانوادگی" در خانه بماند.

یک گوینده ســـــعی کرد با کمپینی به نام "کرایف را برگردانید"، نظرش را تغییر دهد. کرایف اعلام کرد که اگر بتواند همسرش را با خود بـــیاورد، بازی خواهد کرد. نتیجه ای حاصـــــل نشـــــد. و دیوید وینر، در کتاب خود با نام "پرتقال درخشـــان" نوشت که مســـائل مربوط به هتل تیم ملـــــی هلـــند در آلمان غربی، سرنوشت دو جام جهانـــی ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸ را تغییـــر داد: هلند در هـــر دو جام به فینال رســـید و نائب قهرمان شد.

در اکتبر ۱۹۷۸، برای کرایف یک بازی خداحافظی تـــرتیب دادند: یک دیدار دوســـــتانه بین آژاکس و بایرن مونیخ که نتیجه ۰-۸ به سود تیم آلمانی به پایان رسید. و آن می توانســـت پایان کار کرایف به عنوان یک بازیکن و حضورش در یک مزرعه خوک باشد.

در بارسلونا، کرایف و دنی، فردی به نام میشـــــل باسیلویچ، که به اعتقاد دنی خوشـــــــــتیب ترین مرد دنیا بود، را ملاقات کردند. باسیلویچ آن ها را وسوسه کرد که پولشـــــان را بر روی یک مزرعه خوک سرمایه گذاری کنند. آن ها میلیون ها یورو از دســـت دادند. بعد از آن بود که کرایف به فوتبال بازگشـــــت و این بار در آمریکا؛ ابتدا با LA Aztects و بعد ها با Washington Diplomats.

اگرچه علاقه او به پول، مانند علاقه کســـی بود که از بچگی آن را نداشته است، بازگشـــت او به فوتبال تنها به خاطر پول نبود. او از گمنامی آمریکا لذت برد و دوباره عاشق فوتبال شد.

مانند همیشه، آن جا هم مســـائلی وجود داشت. در واشینگتون، او، گوردون بردلی، ســـرمربی بریتانیایی و هم تیمی هایش را با ایده های جالبش دیوانه کرده بود. یک بار، بردلی با تیمش صحبت کرد و ســـپس از رختکن بیرون رفت، کرایف از جایش بلند شـــد، تخته سیاه را پاک کرد و گفت: «مسلما قرار نیســـت اینطور بازی کنیم؛ روش ما کاملا متفاوت خواهد بود».

بابی اســـــتوکس، یک بریتانیایی دیگـــر، اظهار داشـــــت که وقتی واشـــــینگتونی ها کـــرایف را خـــریده بـــــودند، باید یک قرارداد یک ســـاله با فروشنده های پشـــم و کتان می بستند و از آن

برای گرفتن گوش دیگر بازیکن ها، استفاده می کردند. یک بار هم کرایف به حدی از هم تیمی ها و مربیانش در آنجا نا امید شد که اعلام کرد آمار گلزنی اش را کاهش خواهد داد، و همین کار را هم کرد.

سال های او در آمریکا، یکی از خاص ترین داستان های کرایف را در بر داشت: کرایف و راننده اتوبوس فلوریدا. چیزی که ظاهرا اتفاق افتاد، این است که وقتی تیم دیپس (واشینگتون) برای یک اردوی تمرینی به فلوریدا رسید، راننده اتوبوس گم شد. کرایف هیچگاه در آن شهر نبود، اما مستقیما رفت و پشت اتوبوس نشست و مسیر صحیح را پیدا کرد. ظاهرا او همواره عادت داشت که به راننده تاکسی های شهرهایی که هرگز پیش از آن در آن ها نبود، مسیر ها را بگوید. و معمولا هم درست می گفت.

وقتی کرایف در سال ۱۹۸۱ به آژاکس بازگشت، هلندی ها اعتقادی به او نداشتند. سران دینی آن زمان هلند، به کسی که تصور می کرد خاص است، اعتمادی نداشتند. کرایف هیچگاه در خانه محبوب نبود، و لقب هایی مانند " گرگ پول پرست" به او می دادند. او در آن زمان ۳۴ ساله بود و بدنی نه چندان آماده داشت. مطمئنا برای پول برگشته بود؟

بازگشت به خانه

او در دیدار آژاکس مقابل هارلم، به تیمش بازگشت. خیلی زود، او از دو مدافع گذشت و دروازبان را که کمی از خط جلوتر آمده بود، جا گذاشت. برای سه سال آینده، تمامی بلیط های آژاکس، هر زمان که کرایف بازی می کرد، فروخته شده بود، زیرا مردم می خواستند برای آخرین بار بازی های او را ببینند. پاس های بیرون پا و سی یاردی او برای هم تیمی هایش، آن چنان غیر منتظره آن ها را در مقابل دروازه قرار می داد که گاهی دوربین های تلویزیونی هم جا می ماندند. و آن پنالتی دو ضرب معروف هم، کار او بود.

اما آنچه او در زمین انجام می داد، تنها نیمی از چیزی بود که وجود داشت. کرایف با بالا رفتن سنش، صحبت های جذاب تری در زمینه فوتبال داشت. او می گفت: «تا سی سالگی، همه چیز را از روی احساسات انجام می دادم. بعد از سی سالگی شروع به درک این مسئله کردم که چرا همه این کار ها را انجام دادم».

کرایف چیزهایی می گفت که شما می توانستید در هر سطحی از فوتبال از آن ها استفاده کنید: توپ را زیر پای هم تیمی خود نیندازید؛ آن را یک یارد جلوتر از پای او ارسال کنید تا او مجبور شود برای رسیدن به توپ، بدود و اینگونه سرعت بازی را افزایش داده اید. هر گاه احساس کردید که دارید بد بازی می کنید، کارهای ساده را امتحان کنید. توپ را در اختیار بگیرید و آن را به نزدیک ترین هم تیمی خود پاس دهید. این کار را چند بار انجام دهید و سپس می توانید اعتماد به نفس خود را بدست بیاورید. او به طور مستقیم و غیر مستقیم، سبب پیشرفت تمامی بازیکنان هلندی شده است "منطقی است"؛ جمله ای که او در پایان بحث هایش استفاده می کرد، تبدیل به یک ضرب المثل هلندی شده است.

کرایف در مورد هر چیزی نظری داشت. او به یان ووسنام، در مورد اینکه چگونه باید ضربات گلف را بزند، راهنمایی می کرد. او معتقد بود که چراغ های راهنمایی در آمستردام در مکان های اشتباهی قرار دارند. او حتی به هم تیمی اش، ویم فن هنیگم یاد داد که چگونه باید از یک دستگاه نوشابه سکه ای استفاده کند.

کرایف به همراه آژاکس دو عنوان قهرمانی لیگ را در دو سال پیاپی بدست آورد. وقتی ۳۶ ساله شد و آن ها دیگر به او به مقدار کافی پول نمی دادند، به فاینورد رفت و در آخرین فصلش، یک بار دیگر هم قهرمان لیگ شد. همانطور که شیپمیکر گفته است: از لحاظ آماری، داشتن کرایف در تیمی، قهرمانی آن تیم را تضمین نمی کرد، اما شانسش را بسیار بالا می برد. بعد از اینکه کرایف در آخرین بازی اش زمین را ترک کرد، شیپمیکر از جای خود در باکس خبرنگاران برخواست و مردی را تشویق کرد که به عقیده خودش، زندگی پر رونق تری برایش رقم زد.

خلاق و آزار دهنده: بهترین سرمربی ای که هلند هیچگاه نداشت

دوران سرمربیگری کرایف تنها ۹ سال به طول انجامید. او یک سرمربی درخشان و البته مؤلف بود، اما شخصیت منحصر بفردش، او را ناکام گذاشت. اولین کاری که او پس از به دست گرفتن هدایت آژاکس در سال ۱۹۸۶ انجام داد، بازسازی فوتبال هلندی بود. در آن زمان، سبک "فوتبال هلندی" دیگر وجود نداشت. و همچنین هیچ تیم هلندی موفقیتی در زمینه های بین المللی بدست نمی آورد.

کرایف بلافاصله توتال فوتبال را معرفی مجدد کرد. آژاکس او با دو وینگر، یک دروازبان که گاهی در نیمه های زمین دیده می شد، و تنها سه مدافع - در هنگام در اختیار داشتن مالکیت توپ - بازی می کرد. همه این ها بازیکنان را مات و مبهوت کرده بود. در یکی از نخستین بازی های آژاکس با سرمربیگری او، ادو اوفف، مدافع این تیم، به نیمکت نزدیک شد و از کرایف پرسید که باید چه کنند. کرایف پاسخ داد: «خودتان یک کاریش کنید». این بخشی از کار بود که کرایف آن را "فرآیند یادگیری" نامیده بود. به عنوان کسی که همواره پیروز می شد، کرایف علاقه چندانی به نتایج نداشت. گاهی در جریان بازی، او فراموش می کرد که نتیجه بازی چیست. آنچه او به آن علاقه داشت، نحوه فوتبال بازی کردن بود.

مانند دوران بازیگری اش، او به عنوان سرمربی هم آژاکس را به یک محفل مباحثه تبدیل کرده بود. جانی باسمن، مهاجم این تیم در آن زمان می گوید: «کرایف فکر می کرد که همیشه حق با اوست. نکته جالب توجه اینکه، حق واقعا همیشه با او بود».

سرمربی، در مورد همه چیز ایده های جدید داشت. او خواننده معروف اپرا، لو بلو، را به رختکن تیمش آورد تا به بازیکنانش چگونه نفس کشیدن را بیاموزد. او استراتژی هایی معرفی می کرد که جزئی از پایه های فوتبال هلندی می شدند: برای مثال، وقتی تیمتان تحت فشار است، یک مدافع به میدان نیاورید. به جای آن،

یک مهاجم وارد زمین کنید تا تیم حریف مجبور باشد یک بازیکن برای نگه داشتن او در عقب زمین، بگذارد.

او همچنین تیم های پایه آژاکس را از نو بنا کـــرد. همه تیم های پایه باید به همان سبکی که تیم نخســت بازی می کرد، بازی می کردند و سرمربی های تیم پایه باید به جای اهمیت دادن به کسب عنوان قهرمانی، به نوع فوتبالی آن ها توجه می کـردند. مهاجمین با اســـتعدادی مانند دنیس برکمپ گاهی به عنوان مدافع به کار گرفته می شـدند، تا یاد بگیرند که مدافعان معمولا چگونه فکر می کنند. هنوز هم، تیم های پایه آژاکس به ســبک کرایفی اداره می شوند.

"فرآیند یادگیری" خیلی زود جواب داد. کرایف نتوانســت بازیکن انگلیســی مورد علاقه اش، گلن هادل را به آژاکس بیاورد، اما این تیم در سال ۱۹۸۷، موفق شد در جام در جام اروپا، قهرمان شــود. یک ســال بعد، هلند تنها عنوان قهرمانی مهمش در عرصـــه بین المللی را بدســـت آورد؛ با یک مربی (رینوس میشـل)، یک سـبک و یک تیم که تا حد زیادی از کـرایف تأثیـر گـــرفته بود. بیشتر بازیکنان - که ســرآمد آن ها، رود گولـیت، مارکو فن باســـن و فرانک ریکارد بـودند - یا با کـــرایف هم بازی بودند و یا برای او بازی کـرده بودند. مهمتـر از همه، آن ها کرایفی بودند. از آن زمان، هیچ تـردیدی در مورد اینکه سـبک فوتبال هلندی چیســت، وجود ندارد. فوتبال ایده آل، همواره همان بازی چرخشـــی، اورلپ، تک ضرب، با ضرباهنگ بالا، و سـمفونیک، همانطور که در دهه ۶۰ در آمستردام ساخته شده بود، ماند.

در دهه ۱۹۸۰، کـرایف نهایتا تبدیل به یک قهـرمان محبوب در کشـــورش شد. بدون او، هلند نمی توانســت یک سنتِ فوتبالی داشته باشـد. و بدون این سـنت، افراد خارجی زیادی نبودند که به هلند اهمیت بدهند. این ملت، چیزی به او بدهکار بود.

موفقیت، همیشه خوشحال کننده نیست

تنها مشـــکلی که با کرایف وجود داشت، این بود که شما مجبور بودید با او کار کنید. نقد های مداوم او بازیکنان را عصـــبانی می کرد. ریکارد با عصـــبانیت از زمین تمرینی آژاکس بیرون رفت و پس از آن به میلان پیوست. جرالد وننبرگ، هافبک آژاکس در آن زمان، در مورد بازی برای کرایف گفته اسـت: «اگر به آن دوران باز گردم، یک چیز را یاد گرفته ام: چگونه این کار را انجام ندهم!». در سال ۱۹۸۷، کرایف برای سومین بار در زندگی اش آژاکس را ترک کرد؛ آن هم بعد از یک جر و بحث با رئیس باشگاه، تون هارمسن.

رابرت مکســـول، با هلیکوپتر کرایف را به انگلســـتان برد، تا شاید بتواند او را برای حضـور در آن کشـــور و باشگاه دربی کانتی راضی کند، اما کرایف نپذیرفت، و به بارسلونا بازگشت.

او همانند آنچه در آژاکس انجام داده بود، تیم های پایه بارسـا را از نو ســـاخت. او گری لینه کر را به یکی دیگر از آن دلایل غیر قابل بحث کرایفی، در وینگر راست قرار داد، و سپس با خوش شانسی از مرگ نجات یافت. در سـال ۱۹۹۱، او در حالی که ۴۳ سـاله شـده بود، یک عمل بای پس‌قلب انجام داد و پس از آن مجبور شـــد، سیگار، یکی از عشـــق های زندگی اش را کنار بگذارد. از سوی دیگر، این تجربه، یکی از سرگرمی های مورد علاقه اش را تقویت کرد: «در تمام طول زندگـی ام به تماشـــای عمل های جراحی پرداختم، خصوصا جراحی مغز. جراحی زانوی جولیو آلبرتو بســیار زیبا بود. بسـیار فنی. من درســت آنجا بودم، با یونیفـــرم پزشکی».

چـند ماه پس از این عمل، بارســـا نخســـتین عنوان قهـرمانـی لیگ، از چهار عنوان پیاپـی خـود در این رقابت ها را تحت نظـر کـــرایف بدســت آورد. این دومین قهرمانی آن ها در ۱۷ ســـال اخیر بود. پس از آن و در ســـال ۱۹۹۲ تیم رویایی موفق شـــد برای نخســتین بار در تاریخ بارسا، به قهرمانی اروپا برسد آن هم با سـبکی کرایفی که هنوز هم در این تیم بازی می شود (فقط نام آن دیگر توتال فوتبال نیست).

اوج کار مربیگری کرایف می توانست بردن جام جهانی با تیم ملی هلند باشد. در سال ۱۹۹۳، فدراسیون فوتبال هلند این پیشـــنهاد را به او داد. جاس استاتسـن، رئیس وقت فدراسیون، بعد ها اینگونه در مورد این مباحثه توضیح داد: او احســـاس کرد که شخص کرایف می خواهد این کار را انجام دهد، اما بخش اقتصـادیِ شخصـیتش نمی گذاشت. کرایف یک مرد فوتبالی بسـیار باهوش و قابل بود، اما اشتباهاً خود را یک تاجر باهوش و قابل دانست، و همین کار را خراب کرد. وقتی به تلویزیون رفت تا دلیل رد پیشـــنهادش را توضیح دهد، کرایف داشت با بی انگیزگی در مورد مسائل مالی حرف می زد که ناگهان هم تیمی سابقش، پیت کایزر که در کنارش نشسته بود، حرفش را قطع کرد و گفت: «یوهان، تو ناگهان شروع به بازی با بیرون پای خود کردی. چرا؟».

در سال های آخرش در بارسلونا، کرایف حتی رادیکال تر از قبل شد. او می خواست به یک مدافع دستکش بدهد تا بتواند پاس های عقب زمین را، به عنوان نقطه آغازین حمله، بهبود ببخشد. خانواده اش او را از این کار منصرف کردند. و در همین حال، او در حال دیوانه کردن مدیران بارسا بود.

پایان غمگینی برای دوران سرمربیگری کرایف رقم خورد. وقتی شنید که بارسا قرار است او را برکنار کرده و بابی رابسون را به جای او انتخاب کند، او یک صندلی را در دفتر نائب رئیس باشگاه، خوان گاسپارت پرت کرد و فریاد زد: «خدا شما را به خاطر این کار تنبیه خواهد کرد، همانطور که پیش از این کرد». به نظر می آید که این حرف او به مرگ نوه رئیس باشگاه، جوزپ نونز اشاره داشته است. گاسپارت بعد ها به لئو ورهول، نویسنده هلندی، اینگونه گفت: «و این را باید در نظر بگیرید که کرایف به خدا اعتقاد ندارد. او تنها به خودش اعتقاد دارد». با وجود اینکه او در آن زمان تنها ۴۹ سال داشت، دیگر مربیگری نکرد.

میراث

بله، ولی، خب، کرایف برای ما چه کرده است؟

وقتی کرایف در سال ۱۹۹۷، پنجاه ساله شد، تقریبا تمامی روزنامه ها و مجلات هلند، تصویری از او بر روی جلد های خود قرار دادند. او به هزاران جشن و مراسم دعوت شد. ملتی که بهترین فرزند خود را آنچنان که باید تحویل نگرفته بودند، اظهار تأسف می کردند. آن روزها، اوج شهرت یوهان کرایف بود. مردم هلند به یکدگیر حکایاتی از نابغه ای کهیک فرد معمولی ماند، می گفتند: کرایف در یک رستوران کوچک غذا خورد. کرایف سوار بر دوچرخه از کنار خانه ای گذشت و فریاد زد: «سلام!».

او می توانست شهرتی مانند تدی بِر (خرس عروسکی مشهور هلندی) داشته باشد، اما ترجیح داد که پدرخوانده فوتبال هلند شود و طی این فرآیند، میزان زیادی از قدرت و محبوبیت خود را از دست داد.

بعد از اینکه دوران درخشان به عنوان بازیکن و دورانی درخشان به عنوان سرمربی با پشت سر گذاشت، کرایف تبدیل به یک مفسر درخشان تلویزیون شد. مردم به همان اندازه که دوست داشتند خود بازی را تماشا کنند، دوست داشتند که حرف زدن کرایف را ببینند. او تلاش چنده دهه ای خود برای آموختن فوتبال به هلندی ها را، همچنان ادامه می داد.

کرایف به عنوان یک مفسر، به دلیل زبان خاص خودش، و پارادوکس های استادانه ش، به شدت مورد علاقه بینندگان تلویزیونی بود. شاید یکی از بهترین پارادوکس های او، جمله" هر نقصی، مزیت های خودش را دارد"، باشد که آن را در سخنرانی خود در مورد اینکه چگونه باید نقاط ضعف خود را به نقاط قوت تبدیل کرد، بود. و هشدار جالب او در مورد ایتالیا: «به آن ها یک فرصت بدهید و آن ها دو گل به ثمر می رسانند».

البته او مفسری تلویزیون را به عنوان یک شغل، جدی نمی گرفت. او اذعان داشت: «یک بار وقتی از یک برنامه آنالیز فوتبال به خانه برگشتم، همسرم پرسید چه گفتی؟ و من پاسخ دادم: هیچ ایده ای ندارم!».

مشکل این بود که او تنها به آموزش بسنده نمی کرد. او کنترل کامل را می خواست. یک بار یکی از هم تیمی های او به من گفت که یوهان رفتار بهتری با برخی خبرنگارها، نسبت به هم تیمی های قدیمی اش داشته است. این حرف اصلا توهین آمیز به نظر نمی آمد، اما این مرد میانسال که در دو فینال جام جهانی بازی کرده بود، فریاد زد: «این رو ننویس! لطفا. یوهان می فهمد که من بوده ام».

کرایف علاوه بر بارسلونا، بخش اعظمی از فوتبال هلند را هم کنترل می کرد. او کسانی که از حد او تجاوز می کردند را تنبیه می کرد و به دوستانش با دادن شغل، لطف داشت. در سال ۲۰۰۳، وقتی بارسا به دنبال یک سرمربی جدید بود، کرایف لیستی شامل پنج اسم به باشگاه داد که همه آن ها هلندی بودند. از آن پنج نفر، تنها ریکارد در دسترس بود، و نهایتا هم انتخاب شد.

اما سال ۲۰۰۸، سال خوبی نبود. فوتبال هلند، پدر خود را کشت. در فوریه همان سال، در جلسه ای که با حضور هیئت مدیره آژاکس برگزار می شد،

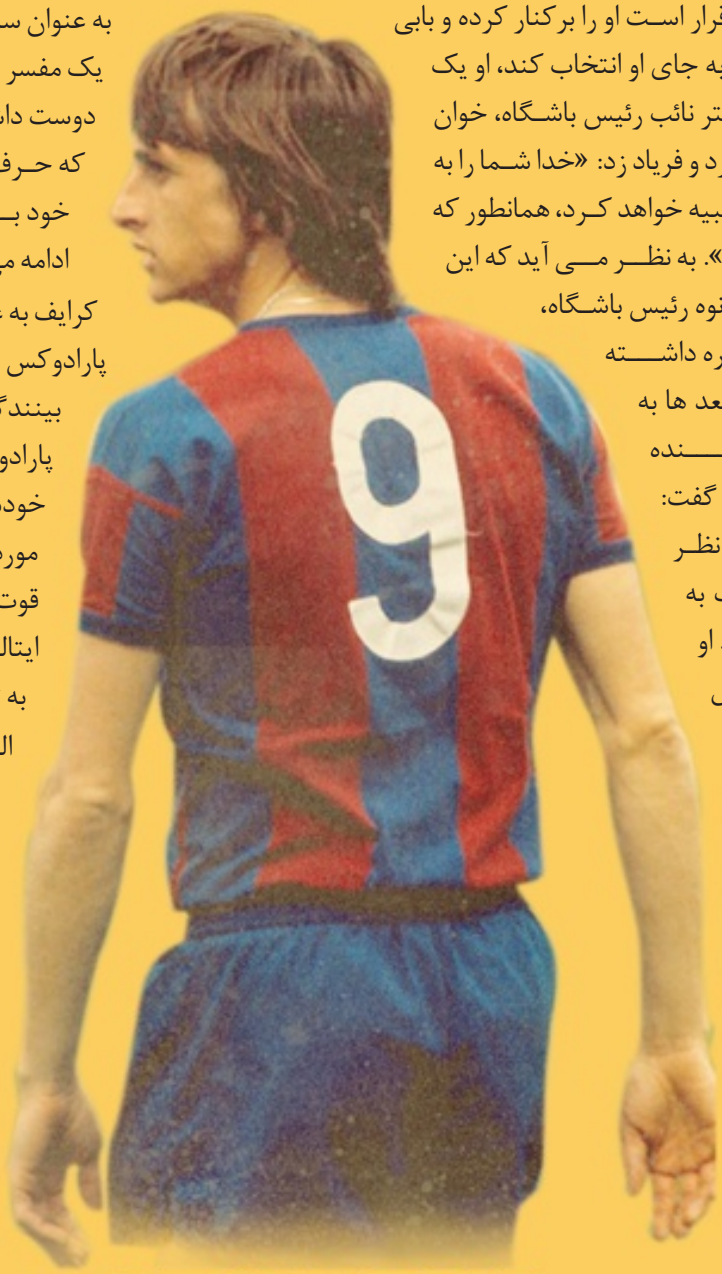

کرایف هم حضور یافت و شروع به صحبت کرد. به نظر می آمد که او قرار است به عنوان رئیس جدید باشگاه انتخاب شود. اما ۱۷ روز بعد، او از آمستردام خارج شد و به سمت خانه اش در بارسلونا حرکت کرد. او توضیح داد که می خواست آکادمی آژاکس را با تغییراتی مواجه کند و چند نفر را هم از کار برکنار کند، اما سرمربی انتخاب شده باشگاه، مارکو فن باسن (پسر فوتبالی کرایف)، با این اتفاق موافق نبود. کرایف گفت: «و بعد از آن من هیچکاری در آژاکس نداشتم!».

سپس او برش خود در تیم ملی فوتبال هلند را هم از دست داد. مانند همه، وقتی او پیرتر شد، کمتر به چیزهای نو فکر می کرد. او شدیدا اصرار داشت که آژاکس، بارسا و هلند باید با سیستم ۴-۳-۳ بازی کنند، درست همانطور که در دهه ۷۰ این کار را انجام می دادند. حال اینکه از آن زمان فوتبال تغییرات زیادی کرده بود، برای او اهمیت نداشت. این روزها بازیکنان حدود سه برابر بیشتر از بازیکنان دهه ۱۹۷۰ در هر بازی می دوند. وقتی بازیکنانی مانند درک کویت و زامبروتا می توانستند در دو پست به صورت همزمان بازی کنند، منطقی نبود که یک وینگر را در لبه خط در تمام طول بازی قرار دهیم تا منتظر توپ بماند.

پیش از یورو ۲۰۰۸، گروهی از بازیکنان هلندی، سرمربی این تیم، مارکو فن باسن را تحریک کردند که از وینگر ها چشم پوشی کند و ترکیب تیم را ۴-۵-۱ کند. در دو بازی اول یورو، هلندی که با یک وینگر کمتر بازی می کرد، ایتالیا را با نتیجه ۳-۰ و فرانسه را با نتیجه ۴-۱ در هم کوبید. برخی بازیکنان هلند حدود ۱۲ کیلومتر دویده بودند. کرایف سپس اظهار داشت که امیدوار است آن ها در بازی های آینده کمتر بدوند زیرا معتقد بود که آن ها تنها به این دلیل بیشتر دویده اند که در پست مناسب قرار نداشتند. وقتی روسیه در یک چهارم نهایی هلند را با نتیجه ۳-۱ شکست داد و حذف کرد، رنه ون در جیپ، دیگر مفسر هلندی اعلام کرد که احتمالا به روس ها هم گفته شده بود که کمتر بدوند. سرمربی روس ها، گاس هیدینک هلندی بود که جای کرایف را به عنوان بهترین دانشمند فوتبالی هلند گرفته بود: علاوه بر اطلاعات جامعش از فوتبال دهه ۱۹۷۰، او درکی جامع از فوتبال فیزیکی مدرن هم داشت. در حالی که کرایف یک ایدئولوژیست بود، هیدینک مصلحت گرا بود و خود را با شرایط وفق می داد.

اوضاع برای کرایف بدتر هم شد. پیش از کریسمس ۲۰۰۸، در یک نظرسنجی یک درصد مردم هلند کرایف را به عنوان مفسر برتر فوتبالی خود انتخاب کردند. و سپس دشمن او، لوییز فن خال، با آلکمار کوچک توانست قهرمانی لیگ هلند را بدست بیاورد.

میراث کرایف به نوعی در بارسا از احترام بیشتری برخوردار بود. حداقل، بارسا هنوز هم بازیکنانی را به عنوان وینگر در زمین نگه می داشت، حتی اگر بگویید مسی و هانری وینگرهای واقعی نبوده اند. در آن زمان از ریکارد پرسیده شد که آیا بارسا همچنان به سنت فوتبال هلندی پایبند است و او پاسخ داد: «خیلی کم، و باز هم، نه واقعا». از روحیه فوتبالی که بارسا ارائه می داد، همچنان کرایفی باقی ماند. پپ گواردیولا، که خود روزی توسط یوهان کرایف کشف شده بود، اینگونه بیان می کند: «یوهان کرایف این کلیسا [بارسا] را رنگ آمیزی کرد، و هر که بعد از او آمد، نتوانست پیشرفت خاصی صورت بدهد». پر افتخار ترین تیم دنیا در دوران پپ، یک نسخه آپدیت شده از فوتبال کرایفی را بازی می کرد و هنوز هم به نوعی به آن پایبند است. آن هم، پنجاه سال پس از آنکه کرایف صحبت در مورد فوتبال را آغاز کرد این نمی تواند میراث بدی باشد.

XAVI HERNANDEZ CREUS

ژاوی هیچگاه کارت قرمز مستقیم دریافت نکرده است

ژاوی هرناندز کروز

ژاوی هرناندز کروز، هافبک اسطوره ای راست پای ۳۶ ساله اسپانیایی را بهتر بشناسیم.

ژاوی، در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۰ در شهر تراسا در استان بارسلونای اسپانیا چشم به جهان گشود. او از همان کودکی با فوتبال آشنا بود، زیرا پدرش گواگیم بازیکن اسبق تیم فوتبال سابادل بوده است.

او در ۱۱ سالگی به تیم نونهالان بارسلونا رفت و ۴ سال در آنجا بازی کرد و سپس در سال ۱۹۹۵ به جوانان بارسا راه پیدا کرد و بعد از گذراندن دو فصل در این تیم، در سال ۱۹۹۷ برای اولین بار به تیم ب بارسلونا که در آن سال تحت هدایت خوزه مورینیو بود، فراخوانده شد.

اولین فصل حضور در تیم اصلی

او تنها یک فصل نیاز داشت تا بتواند نظر لوئیز فن خان را جذب کند او را برای بازی کردن در تیم اصلی بارسلونا فرا بخواند تا در کنار بازیکنان نامداری چون ریوالدو، پپ گواردیولا، لوئیز انریکه، پاتریک کلایورت، زندن، فرانک و رونالد دی بوئر و فیلیپ کوکو برای بارسلونا بازی کند.

او اولین بازی خود برای بارسلونا را در تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۹۸ در مقابل تیم مایورکا درجریان بازی رفت سوپرکاپ اسپانیا در حالی انجام داد که شماره ۲۹ تیم را برتن داشت.

وی که در آن بازی ۹۰ دقیقه کامل در زمین حضور داشت، موفق شد تنها گل بارسلونا در آن بازی را به ثمر برساند.

اولین بازی ژاوی در لالیگا در تاریخ ۳اکتبر ۱۹۹۸ در برابر والنسیا اتفاق افتاد.

اولین باری که ژاوی در یک بازی اروپایی به همراه بارسا شرکت کرد، مربوط به ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۸ و بازی در برابر منچستر یونایتد می باشد.

او در اولین فصل حضورش در بارسا در ۲۴ بازی - ۱۷ بازی لیگ، ۶ بازی لیگ قهرمانان و ۱ بازی در سوپرکاپ اسپانیا - شرکت داشت؛ در ۲۱ بازی در ترکیب اولیه تیم بود و در ۳ بازی نیز به عنوان یار تعویضی به بازی آمد. او همچنین ۱۹۴۸ دقیقه - ۱۹ بازی به طور کامل و ۲ بازی در اواسط آن تعویض شد و در ۳ دیدار نیز در اواسط بازی به زمین رفت - برای بارسا بازی کرد و موفق شد ۲ گل در آن فصل به ثمر برساند و با دو کارت زرد رقابتها را به پایان برساند.

اولین های ژاوی

او در اولین فصل حضورش در بارسلونا در سن ۱۸ سالگی موفق شد قهرمانی لیگ اسپانیا را تجربه کند. اما موفق نشد به همراه تیم در لیگ قهرمانان، جام حذفی و سوپرکاپ اسپانیا نیز افتخاری کسب کند. بارسلونا در ابتدای فصل در مجموع دو بازی رفت و برگشت، با نتیجه ۳-۱ از تیم مایورکا شکست خورد؛ همچنین در لیگ قهرمانان در گروه D بازیها بعد از بایرن مونیخ آلمان و منچستر یونایتد انگلیس - دو تیم حاضر در فینال آن سال - و بالاتر از بروندبی دانمارک قرار گرفت و در جام حذفی نیز در مرحله ۴/۱ نهایی از تیم والنسیا قهرمان آن دوره با نتیجه ۷-۵ در مجموع دوبازی شکست خورد.

اولین کارت زرد ژاوی در تاریخ ۳اکتبر ۹۸ در دقیقه ۴۴ بازی برابر والنسیا در جریان مسابقات هفته پنجم لالیگا بدست آمد.

ژاوی اولین پاس گل خود را در تاریخ ۳اکتبر ۲۰۰۱ در حالیکه

۹۷ اُمین حضورش در ترکیب بارسلونا را تجربه می کرد و ۶۴۵۴ دقیقه برای این تیم بازی کرده بود، در دقیقه ۸ بازی برابر مایورکا در هفته ششم رقابتهای لالیگا داد. او با ارسال توپ از روی نقطه کرنر برای لوئیز انریکه موفق شد سازنده گل اول تیم در این بازی شود. وی یک بار در دقیقه ۳۱ بازی با ارسال توپ برای ساویولا گل سوم تیمش در این بازی را نیز ساخت.

ژاوی که در طول دوران فوتبال حرفه ای خود تنها دوبار با کارت قرمز داوران مواجه شده است، اولین کارت قرمز خود را در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۱ در برابر والنسیا تجربه کرد. در دقیقه ۴۴ اُم بازی هفته ۱۷ اُم لالیگا در حالیکه تنها ۵ دقیقه از کارت اولی که دریافت کرده بود می گذشت، با خطا بر روی بازیکن حریف با کارت زرد دوم مجبور به ترک زمین شد (این نکته قابل ذکر است که ژاوی هیچگاه کارت قرمز مستقیم دریافت نکرده است).

اولین تجربه کاپیتانی مو آناناسی بارسایی ها در فصل ۲۰۰۴/۰۵ و بعد ۶ فصل بازی برای این تیم برای اولین بار در تاریخ ۳ آوریل ۲۰۰۵ توانست اعتماد مربی خود - فرانک رایکارد - را جذب نماید تا به عنوان کاپیتان تیم بازی را آغاز نماید.

دعوت به تیم ملی

مهندس بازی سازی بارسایی ها در سال ۲۰۰۰ توانست نظر کاماچو مربی آن سال تیم ملی اسپانیا را به خود جلب کند و برای اولین بار در سن ۲۰ سالگی به تیم ملی دعوت شود. اولین تجربه بازی وی با پیراهن اسپانیا مربوط به بازی دوستانه در برابر هلند در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ است که موفق شد ۹۰ دقیقه برای تیمش بازی کند.

آمار اسطوره در بارسلونا

اسطوره دوست داشتنی آبی و اناری ها، در طی ۱۷ فصل حضور در تیم اصلی بارسلونا در مجموع ۷۴۳ بار با پیراهن این تیم به میادین مختلف - ۵۰۵ بار در لالیگا، ۱۵۱ بار در لیگ قهرمانان اروپا، ۴۶ بار در جام حذفی، ۱۴ بار در سوپرکاپ اسپانیا، ۱۳ بار در لیگ اروپا، ۶ بار در دور انتخابی لیگ قهرمانان، ۵ بار در جام باشگاههای فوتبال جهان و ۳ بار در سوپرکاپ اروپا - رفته است که ثمره آن ۸۴ گل - ۵۸ گل در لالیگا، ۱۱ گل در لیگ قهرمانان، ۸ گل در جام حذفی، ۴ گل در سوپرکاپ اسپانیا، ۱ گل در لیگ اروپا، ۱ گل در انتخابی لیگ قهرمانان و ۱ گل در جام باشگاههای فوتبال جهان - و ۱۶۴ پاس گل به بیش از ۵۰ بازیکن مختلف - ۱۱۳ پاس در لالیگا، ۳۱ پاس در لیگ قهرمانان، ۱۵ پاس در جام حذفی، ۳ پاس در سوپرکاپ اسپانیا، ۱ پاس در لیگ اروپا و ۱ پاس نیز در جام باشگاههای فوتبال جهان - می باشد.

ژاوی در ۵۶۸۴۳ دقیقه ای که برای بارسایی بازی کرده است، ۵۲ بار کارت زرد دریافت کرده و تنها دوبار

کارت قرمز داوران را جلوی چشمان خود مشاهده کرده است.

ژاوی در بارسلونا ۱۱ مربی داشته که اولین آنها فن خال و آخرین آن نیز لوئیز انریکه بود. او در ۲۱۵ بازی زیر نظر رایکارد برای بارسا بازی کرد و درخشان ترین دوره فوتبالی او در بارسلونا مربوط به زمان پپ است که در ۲۰۸ بازی موفق شد ۳۶ گل به ثمر برساند و ۷۹ پاس گل بدهد.

رکوردهای ژاوی برابر حریفان

ژاوی ۴۲ بار در برابر رقیب سنتی بارسلونا به میدان رفته است و این تعداد بازی بیشترین تعداد در میان انبوهی از تیم هایی است که ژاوی در برابر آنها بازی کرده است. او در این ۴۲ بازی ۱۷ بار به همراه هم تیمی هایش بازی را برده و تنها ۱۳ بازی را باخته است. او ۵ بار موفق به گلزنی به رئال شده و ۹ پاس گل در ال کلاسیکوهای مختلف داده است. اولین گل وی به رئال در دقیقه ۵۸ هفته ۳۰اُم فصل ۱۹۹۹/۲۰۰۰ در تاریخ ۱۶ مارس ۲۰۰۰ به ثمر رسید و آخرین بار در بازی رفت سوپرکاپ اسپانیا در سال ۲۰۱۳ موفق به گلزنی به رئال شد. وی ۹ بار در ال کلاسیکوهای مختلف کارت زرد گرفت - که این بیشترین تعداد کارت زردی است که ژاوی در برابر یک تیم گرفته است - و تنها یک بار با دریافت کارت زرد دوم از زمین مسابقه اخراج شد.

اسپانیول در رتبه اول تیم هایی است که بیشترین باخت را در برابر ژاوی تجربه کرده اند. ژاوی در ۲۴ بازی از ۳۵ بازی که در برابر این تیم حضور داشته، برنده بوده است. این تیم از لحاظ گل خورده از این بازیکن نیز در رتبه اول است. ژاوی ۶ بار دروازه آنها را باز کرده است.

رئال مادرید تیمی است که بیشتر از سایر رقبا از پاس گلهای ژاوی ضربه خورده است. ژاوی ۹ پاس در برابر این تیم به نام خود ثبت کرده است. رئال مادرید همچنین بیشترین تساوی را در برابر ژاوی بدست آورده است. این تیم ۱۲ بار مقابل ژاوی و هم تیمی هایش به تساوی دست یافته است.

شش تیم هستند که ژاوی هیچگاه نتوانست با پیراهن بارسا در برابر آنها برنده باشد. روبین کازان روسیه (۳ بازی)، رم ایتالیا (۲ بازی)، اینترناسیونال برزیل، پوشو اسلواکی، گرامنت اسپانیا و لیدز یونایتد انگلیس (هر کدام ۱ بازی) در برابر بارسلونایی که ژاوی را در ترکیب داشته است به میدان رفته اند که بارسا در این بازیها موفق به کسب پیروزی نگردیده است.

ژاوی برای بارسلونا ۳ بار در طول بازی پشت ضربه پنالتی قرار گرفته است که دو بار آن را در برابر سالواتوره سیریگو (پاریس سنت ژرمن) و یاسپر سیلسن (آژاکس) به گل تبدیل کرده و یک پنالتی دیگر را تونیو، دروازه بان الچه مهار کرده است.

در طول دوران حرفه ای ژاوی در بارسلونا او ۴ بار دچار مصدومیت شده است. اولین بار در ۱۵ فوریه ۲۰۱۰ بود که دچار مصدومیتی ۷ روزه شد و یک بازی تیم را از دست داد.

بیشترین دوران مصدومیت او مربوط به فصل ۲۰۱۱/۱۲ می باشد. زمانیکه به دلیل انقباض عضلات ساق پا ۱۵ روز مصدوم بود.

شماره های پیراهن ژاوی در بارسلونا

او در اولین فصل حضورش در تیم شماره ۲۹ را بر تن کرد. بعد از آن دو فصل با شماره ۲۶ بازی کرد و فصل بعد از آن با شماره ۱۶ به میدان رفت و از سال ۲۰۰۰ به بعد با شماره ۶ که تا قبل از آن در اختیار رونالد دی بوئر بود، بازی می کرد.

بهترین برد ژاوی به همراه بارسلونا در ۲۲ دسامبر ۲۰۱۱ زمانی که تیم موفق شد در بازی برگشت جام حذفی برابر تیم هاسپیتالت، تیم دسته سومی اسپانیا با نتیجه ۹-۰ به برتری دست یابد.

بدترین شکست ژاوی نیز مربوط به ۳ دسامبر ۲۰۰۳ است. زمانیکه تیم در ورزشگاه ال روسالدا، ورزشگاه خانگی تیم مالاگا با نتیجه ۵-۱ شکست خورد.

ژاوی هیچگاه موفق نشد برای تیم هت تریک کند. او تنها در یک بازی در برابر مالاگا در تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۰۸ موفق شد برای اولین و آخرین بار در یک بازی بیش از یک گل به ثمر برساند.

۴ پاس گل او در بازی ال کلاسیکوی سال ۲۰۰۹ که با نتیجه ۶-۲ به نفع آبی و اناری ها به پایان رسید، بیشترین تعداد پاس گل ژاوی در یک بازی می باشد.

آمار ژاوی در تیم ملی

ژاوی هرناندز در ۱۳۷ بازی تیم ملی اسپانیا حضور داشته و موفق شده است ۱۳ گل به ثمر برساند و ۲۶ پاس گل به هم تیمی های خود بدهد. او در ۹۶۹۹ دقیقه حضور در زمین با پیراهن اسپانیا ۷ بار کارت زرد گرفته و هیچگاه در یک بازی ملی از زمین اخراج نشده است.

او اولین پاس گل خود در تیم ملی را در جریان بازی نخست این تیم در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۰۶ در برابر اوکراین به ژابی آلونسو داد و اولین باری که موفق به گلزنی با پیراهن اسپانیا شد، در برابر ایرلند شمالی در جریان بازیهای مقدماتی جام ملتهای اروپا در سال ۲۰۰۶ بود.

افتخارات باشگاهی و ملی ژاوی

او در رده باشگاهی، ۸ قهرمانی لالیگا، ۷ قهرمانی سوپر کاپ، ۴ قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا، ۳ قهرمانی جام حذفی اسپانیا، ۳ قهرمانی جام باشگاه های جهان و ۲ قهرمانی در سوپر کاپ اسپانیا را در کارنامه دارد.

در رده ملی نیز چهار دوره در جام های جهانی حاضر بوده که ثمره آن یک قهرمانی در این تورنومنت می باشد.

او به همراه اسپانیا در سه دوره بازی های جام ملتهای اروپا حاضر بوده که دو دوره آن را با قهرمانی به پایان رسانده است. همچنین در دو دوره جام کنفدراسیون ها تیم ملی اسپانیا را همراهی کرده که بهترین نتیجه آن مقام دومی بوده است.

نقل قول های معروف در وصف ژاوی

الکس فرگوسن: «مشکل اصلی حریفان بارسا مسی نیست، بلکه ژاوی و اینیستا هستند. با حضور این دو بارسا می تواند کل شب توپ را حفظ کند».

کاسیاس: «مردم هر سال از من می پرسند که کدام بازیکن را از ترکیب بارسا خارج کنیم تا شانس مان برای پیروزی مقابل آنها بیشتر شود و جوابم همیشه یکسان است: "ژاوی"، بازی خوانی و کنترل توپ او باعث می شود که بهترین بازیکن تیمش باشد».

جیمی کرگر: «او بهترین بازیکن اسپانیایی تاریخ و بهترین هافبک در سبک خودش است. وقتی نوجوان بودم ماتیوس و رایکارد الگویم به عنوان رهبران خط هافبک بودند. اخیرا تحت تاثیر پیرلو قرار گرفتیم که در فینال لیگ قهرمانان رو در روی ژاوی به رقابت پرداخته است. ما چنین بازیکنانی را در بریتانیا نمی بینیم؛ ژاوی در سطح متفاوتی است».

لئو مسی: «او بهترین بازیکن تاریخ فوتبال اسپانیاست».

گواردیولا: «امیدوارم بازیکنان آینده از او یاد بگیرند. من عشق به بازی را از او یاد گرفتم. حتی یک روز هم نبود که او از فوتبال لذت نبرد. او از بازی های دوستانه هم لذت می برد. وقتی مصدوم باشد هم بازی می کند و یا تمام تلاشش را می کند تا هر چه زودتر برگردد. او فوتبال دوست ترین بازیکنی است که دیده ام و در عین حال حرفه ای ترین است».

اینیستا: «زبان از تمجید در مورد او قاصر است. به عنوان یک شخصیت و یک بازیکن هیچ کس را نمی توان با او قیاس کرد. آمارش در طول سالها همه چیز را نشان می دهند. عملکردش فراتر از کلمات است. بازیکن بی همتا و بی جایگزینی است و برای بارسلونا و تیم ملی اسپانیا نقشی کلیدی داشته است. افتخار بزرگی است که در طول دوران فوتبالم در کنارش بازی کرده ام».

پیکه: «ژاوی سبک بازی ما، فرهنگ لاماسیا و همه چیز را گسترش داد. او یکی از اسطوره ای ترین بازیکنان ما بود که باعث شد بارسلونا گسترده تر شود».

فابرگاس: «یکی از بزرگترین اشتباهات مردم این است که در مورد ژاوی آینده صحبت می کنند و به دنبال چنین فردی هستند؛ اما وقتشان را تلف می کنند، چرا که هرگز ژاوی دیگری نخواهد آمد».

خورخه والدانو: «اگر فوتبال یک علم بود، ژاوی فرمولش را کشف می کرد. وقتی توپ روی پایش است هیچ کس مثل او نمی تواند با تمامی بازیکنان درون زمین ارتباط برقرار کند».

مرد همیشه در صحنه

سعید ایمنی؛ نام او برای خیلی ها آشناست. مدیر اولین و بزرگترین سایت هواداران بارسلونا در ایران در خصوص مسائل مختلف سایت و نیز علایق شخصی خود می گوید. در ادامه شما را به مطالعه این مصاحبه جذاب و متفاوت دعوت میکنم.

۱. سلام و خسته نباشید. نه به خاطر کارهایی که احتمالا از اول امروز انجام دادید؛ به خاطر ده سال مدیریت این سایت. فکر کنم بهتر باشه به عنوان اولین سوال از تون بخوایم که از احساستون نسبت به این سایت بگید.

سلام

ممنونم.

احساس من به این سایت درست احساس یه پدر به پسرشه. همون قدر حساس و پر اهمیت. همون قدر بخش جدا ناشدنی از وجود خودم. همون قدر صرف تمام داشته ها برای بقا و رشد و پیشرفتش. و همون قدر حساس و تهاجمی نسبت به کسایی که بخوان بهش صدمه بزنن!

۲. شاید کمتر کسی باشه که با دیدن اسم یوزرتون، تصور کنه شما مدیر کل سایت هستید. حداقل اون اوایل که خود ما عضو شده بودیم، اینطور بود. چرا بویان کرکیچ؟ چقدر از این علاقه به خاطر جلوه های بصری این بازیکن بوده؟!

اولین نام کاربری من در سایت، Victor Valdes بود. از اون اوایل که ویکی اومده بود بارسا و خب خیلی هم اذیتش می کردن. یه جوری انتخاب اسمش جنبه حمایتی هم داشت. در مورد بویانم همین طور بود. هیچ وقت به حقش نرسید و فرصت منصفانه بهش داده نشد. بحث قیافه نیست، من تمام بازیکنایی که تو سن پایین به تیم میان رو دوست دارم و برام جذابن، شاید یه جورایی رویایی بود که دوست داشتم خودم تجربه ش می کردم. مثل الان سرجی سمپر یا روبرتو یا بقیه بازیکنای جوون تیم.

۳. از چه زمانی طرفدار بارسا هستید؟ انگیزه تون برای طرفداری از بارسا چی بوده؟

از سال ۱۹۹۹. من فوتبال دیدن جدی رو از سال ۹۴ و فینال جام جهانی شروع کردم که ۱۰ سالم بود. قبلش منطقا خیلی گرایشی نداشتم. انقدری هم فوتبال از تلویزیون پخش نمی شد. سال ۹۷-۹۸ بود که کم کم لیگ قهرمانان رو تلویزیون نشون می داد و اون زمان به فوتبال باشگاهی علاقمند شدم. زمان اوج درخشش منچستر و بازیای جذاب اندی کول و دوایت یورک و اشمایکل... جو فوتبالی عجیبی تو مدرسه داشتیم، کم کم حس کردم باید طرفدار یه تیمی باشیم. بازی همه تیما رو دیدم. یه چیزی در مورد بارسا فرق داشت. اینو همون بار اول حس کردم. حتی تو اون سالها که شروع افت بارسا بود، اما یه چیزی فرق داشت. این تیم انگار از حمله سیر نمی شد، بی توجه به نتیجه. من چنین فوتبالی رو دوست داشتم. و هرچی بیشتر از بارسا فهمیدم، دیدم بیشتر به روحیاتم سازگاره. اون روحیه مبارز و تسلیم ناپذیر و جنگجو با ظلم و ناجوانمردی و استبداد و البته فوتبال همیشه تهاجمی و زیبا تو زمین.

من زمانی طرفدار بارسا شدم که بدترین نتایج رو می گرفت. اما برام مهم نبود. از بازی زیباش، از فلسفه متفاوتش لذت می بردم.

۴. چی شد که این سایت رو راه اندازی کردید؟ سال ۱۳۸۴ برای یه سایت که قرار بوده از اول کانون هواداری باشه، نسبتا شگفت انگیزه. یه تاریخچه از مسائلی که منجر به راه اندازی این سایت شد، بگید و همچنین مشکلات.

البته این رو تقریبا هر سال تو جشن تولد سایت توضیح دادم. ما اون زمان یه وبلاگ داشتیم، چند نفری بودیم در مورد بارسا می نوشتیم. اون زمان مثل الان نبود که هرکی از راه می رسه یه سایت بزنه. خیلی کمتر بود. اونجا مطلب می نوشتیم، خبر، مقاله. اغلب غیر رسمی و دور همی. بعد بحثش مطرح شد که سایت بزنیم. من از اول با مدیریت گروهی موافق نبودم، برای همین همراهی نکردم. اون زمان رفتم سایت پارس فوتبال و شدم مدیر انجمنش. ۶ ماهی اونجا بودم و انجمنش رو ساختم و به بلوغ رسوندم. وقتی برگشتم دیدم بچه ها هنوز دارن بحث می کنن چی کار کنن! دیدم اینا این کاره نیستن. این بود که دست به کار شدم!

کسایی که این کارو تجربه کردن خوب می تونن درک کنن چه مشکلاتی داره. به ذهن کاربرای عادی حتی خطور نمی کنه. حتی در بین هم دانشکده ای هام که همگی مدیران ارشد جاهای مختلف هستن، این شگفت انگیزه که بشه چنین مجموعه ای رو ده سال با دست خالی اداره کرد. واقعا مدیریت یه سایت به این بزرگی بدون وجود پول که انگیزه کار کردن برای آدما ایجاد کنه کار بسیار سختیه. به جرات ادعا می کنم هیچ کس جز من نمی تونست تو این شرایط دشوار، سایت رو بیش از یه دهه سر پا نگه داره.

۵. اکثر سایتها با قدمتی به مراتب کمتر از سایت ما دارای تبلیغات زیادی هستند. چرا برای این منظور اقدام عملی صورت نگرفته؟

اولا سیاست من از اول درآمدزایی نبوده. اکثر سایتایی که الان می بینید، به قصد تجارت و کسب منفعت سراغ این کار اومدن. اما من از اول صرفا بر اساس علاقه این سایت رو ایجاد کردم. تا حالا هم هزینه هاش از درآمدهاش بیشتر بوده، اما هیچ وقت دلم نخواسته مثل این سایتای سطحی، در و دیوار سایت رو پر کنم از تبلیغات. از اول دوست داشتم کار حرفه ای انجام بشه، حتی اگر

مخاطبش کمتر باشه و دردسرش بیشتر. اما دوست داشتم حرفه ای و اصیل کار کنیم، مثل سایت رسمی باشگاه در مقایسه با سایتای حاشیه ای.

۶. ولی قبول دارید که جذب تبلیغات به هرچه بیشتر شناخته شدن سایت کمک می کنه

من گرایش تحصیلیم و شغلم تو حوزه مارکتینگه که تبلیغات یکی از زیربخشاشه. تبلیغات بر خلاف اونچه اکثریت فکر می کنن، ساده نیست، بلکه پیچیدگی ها و ظرافتهای خاصی داره. خیلی تبلیغات هستن که بازدهی چندانی ندارن و خیلی ها اساسا مضرن که بهش ضد تبلیغ میگن. سایت ما از اول طوری بوده که نیاز به تبلیغ بصری چندانی نداشته، اما طرحهای تبلیغاتی زیادی هم دارم که به امید خدا در آینده که منابع مالی وجود داشته باشن، اجراشون خواهم کرد. تبلیغات هدفمند طراحی شده متناسب با ساختار و اهداف سایت.

۷. مسلما این سایت خاطرات تلخ و شیرین زیادی رو با شما شریک بوده. شیرین ترین و تلخ ترین اون ها رو، با ما در میون بذارید.

تلخ ترین خاطرات همیشه رفتن آدمهای ارزشمند بوده که خلاشون همواره احساس شده. شیرین ترین خاطرات هم همیشه گره خوردن به شیرین ترین لحظات بارسا. مثل بردای ۶-۲ و ۵-۰ تو ال کلاسیکو یا قهرمانی ها. همه چیز توی این سایت به بارسا گره خورده!

۸. یک بحثی که همواره تو سایت وجود داشته و الان هم جدی تر شده، مسئله به رسمیت شناخته شدن سایت از سوی باشگاه ـه. در این خصوص توضیحاتی میدید؟

این بحث نزدیک ۳ ساله که با باشگاه در حال مذاکره بوده. جنس کانون هواداری بارسا با بقیه باشگاها فرق داره، برای همینه بقیه خیلی راحت با یه سایت رسمیت گرفتن اما کار برای ما خیلی سخت بوده. فعلا به توافقات اولیه ای رسیدیم و یه سری امور حقوقی رو داریم مورد نظر باشگاه انجام میدیم. فرایند دشوار و وقت گیریه ولی امیدوارم در نهایت به نتیجه برسه. به زودی خبرهای خوبی برای کاربرا خواهم داشت ان شاء الله.

۹. جزئیات بیشتری رو میتونید بگید در مورد بندهای مختلف این مذاکره؟

فعلا نه. صبور باشید.

۱۰. یه سوال که خیلی ذهن اعضای سایت رو درگیر کرده: علاقه تون به ریکارد و یا تنفرتون از پپ؛ کدوم بیشتره؟

به هیچ وجه از پپ متنفر نیستم. پپ به همراه لوچو، بازیکنای محبوب من بودن. زمانی که به عنوان بازیکن از بارسا رفت، درست مثل زمان رفتن ریوالدو، بدترین حس و حال رو داشتم، فوق العاده ناراحت بودم. به خاطرش بازیهای برشا و رم رو تماشا می کردم حتی! اما همون زمان دل هوادارا رو شکست و رفت. یه تصمیم فوق بچگانه که بعدا هم خودش به اشتباه بودنش اعتراف کرد. اما دل ماها رو خیلی آزرد. زمان مربیگریش هم این لجاجت ها رو داشت. مثل داستان اصرار بازی دادنش به بازیکن بی کیفیتی مثل پدرو و انبوه بازیکنایی که از تیم کنار گذاشت، مثل ستاره های بزرگی مثل رونالدینیو، یایا توره و یه مشت جوون. اما تو نگاه نتیجه گرای اکثر هوادارا، وقتی تیم نتیجه می گیره، همه چیز خوبه. من مشکلم با اینه. من بزرگی های پپ رو قبول دارم، اما ضعف هاش رو هم براش قائلم. باور دارم پپ چیزی که شد رو بیشتر به بارسا مدیونه تا اینکه بارسا موفقیت هاشو مدیون پپ باشه.

در مورد ریکارد هم کسایی که دوران قبلش رو دیده بودن حرف منو بهتر می فهمن. فقط یه جمله میگم: زمانی که ریکارد اومدن، هوادارای بارسا بابت چهارم شدن تو لیگ جشن می گرفتن، و زمانی که رفت، دوم شدن با امتیاز برابر هم فاجعه بود! این عظمت ریکارد و شاهکارش در متحول کردن بارسا بود که خیلی بزرگتر از کسب قهرمانی و جام ه.

۱۱. نظرتون در خصوص سایت های رقیب چیه؟ اون اوایل هم سایت رقیب داشت؟

تو طول این ده سال، دهها سایت مرتبط با بارسا ساخته شده. اونایی که شبیه ما توسط هوادارا ساخته شده بودن، زیر فشار سختی کار دووم نیاوردن و همه کم کم متروکه شدن. اونایی هم که با کلی پول و سرمایه و تبلیغات و ... و به قصدهای اقتصادی ایجاد شدن، مادامی هستن که توجیه اقتصادی داشته باشن، چون اساسا بنگاه اقتصادین نه سایت هواداری. من بهتون قول میدم درست مثل این ده سال، حتی زمانی که احساس میشه حریفی قدر و سرحال و قبراق تو میدون هست، اما در گذر زمان، این اف سی بارسلونا دات آی آره که آخرین جنگجوی روی پا ایستاده س!

۱۲. در طول این سال ها، افراد خیلی زیادی رو بلاک کردید، و به نوعی این بلاک ها بودن که نسل ها و دوران های مختلف رو در سایت به وجود آوردن. الان که به گذشته نگاه می کنید، چقدرش از روی عصبانیت بوده؟ بوده بلاک هایی که ازشون پشیمون شده باشید؟

بی شک هیچ بشری بری از اشتباه نیست و من هم اگرچه کارم رو همیشه با نهایت دقت و کیفیت انجام دادم، اما قطعا زمانهایی بوده که احساس کردم می تونستم تصمیم درست تری بگیرم. اکثریت قریب به اتفاق بلاکها با دلایل صحیح و با نیت درست و در راستای مصالح سایت اتفاق افتادن، اما در طول این سالها، شاید باشن چند موردی که اگر به عقب بر می گشتم، از وضع چنین جریمه سنگینی در موردشون چشم پوشی می کردم.

۱۳. شاید خیلی از کاربرهای سایت ندونن با یکی از دانشجویان نخبه کشور روبرو هستن. رزومه تون به عنوان یک دانشجو رو بگید، و البته رمز موفقیتتون! شَریفی بودن، چه احساسی داره؟

من با وجودی که همیشه شاگرد زرنگ کلاسهام بودم، اما هیچ وقت از این بچه های اصطلاحا خر خون نبودم. از بچگی عاشق فوتبال بودم، و هر فرصتی رو صرف فوتبال بازی کردن می کردم. با کمترین خرخونی ممکن و با لطف خدا، هم کارشناسی و هم ارشد شریف قبول شدم ولی هیچ وقت شبیه بقیه شریفی ها نبودم. همیشه باور داشتم آدمای بزرگ کسایی هستن که تمام ابعاد زندگیشون رو با هم پیش می برن، نه اینکه عده ای رو فدای بقیه کنن، و به لطف خدا تا به حال تونستم اینطور زندگی کنم. مطمئن باشید هیچ شریفی رو پیدا نمی کنید که به خاطر ال کلاسیکوی سر ظهر - زمان تیتو - وسط کلاس پاشه بیاد بیرون یا شب سخت ترین امتحان هم حاضر نباشه حتی ۵ دقیقه بازی بارسا رو نبینه. دیگه این همه وقت گذاشتن برای سایت که جای خودش. خودم رو از این منظر آدم موفقی می دونم که تمام علایق زندگیم رو کنار هم دنبال کردم و هیچ کدوم رو ترک نکردم، چه با بالا رفتن سطح تحصیلات و گرفتاری شغلی و ... و چه با افزایش سن.

۱۴. سایت، خصوصا تو سال اخیر با افت بازدید روبرو بوده که برای وبسایتی با این قدمت، عجیبه. چه دلایلی باعث این اتفاق شدن، و چه راهکارهایی برای رهایی از این مشکل وجود داره؟ چه کارهایی انجام شده؟ و این که آیا این موضوع نگران کننده نیست؟

اتفاقا عجیب نیست و روند طبیعی ه. ۱۰ سال پیش یا حتی ۵ سال پیش، انقدر سایت و گروه و کانال و وسیله خبری و ... نبودن. سایتی مثل ورزش ۳ نبود که رسانه ۸۰ میلیونی پشت سرش داره. امروز روشهای بدست آوردن اطلاعات و اخبار خیلی متنوع شدن. دیگه افراد حتی نیاز ندارن خیلی به سایتها برن تا از اخبار و اتفاقات با خبر بشن. جنس کاربری اینترنت با گذر زمان تغییر می کنه. همون طور که امروز کاربرد SMS یک هزارم ۱۰ سال پیش هم نیست. یک سری روندها به طور طبیعی با گذر زمان تغییر می کنن. ما از اول هم قصدمون جذب حداکثر کمّیت ممکن نبوده، چرا که این منجر میشه به شکسته شدن بعضی اصول حرفه ای برای جذب همه جور مخاطب، یعنی کاری که اکثر سایتای مشابه می کنن. اما شعار ما همیشه ارجحیت کیفیت به کمّیت بوده. ما همیشه دنبال این بودیم که سایت حرفه ای باشیم و مخاطبای حرفه ای رو جذب کنیم و همیشه هم مخاطبای خودمون رو خواهیم داشت. حالا یک زمان از طریق ورود مستقیم به سایت و زمان دیگه به شیوه ای متفاوت. صرف مسئله کاهش بازدید مسئله نگران کننده ای نیست، بلکه تمرکز ما روی اینه که به موقع بتونیم با این تغییرات ناشی از زمان در رفتار مخاطبمون در فضای مجازی تطبیق پیدا کنیم.

۱۵. در مورد راهکار؟

خب راهکارها گفتنی نیستن. جزو استراتژی های سایت هستن. انقدر می تونم بگم که در آینده نزدیک، اتفاقات بزرگی خواهد افتاد.

۱۶. به بحث کانون هواداری «رسمی» مربوط میشه؟ پس میشه گفت شما همیشه یک چیزی برای رو کردن دارید. نه؟

بله. یکی از چیزهایی که در گذر زمان تغییر می کنه، تعریف کلمه «هواداری» ه و ما از این منظر کارهای بزرگی خواهیم کرد.

۱۷. مرد همیشه در صحنه...! :)

مسلما همین طوره. به عنوان فارغ التحصیل MBA شریف، کار ما همینه اصلا. همیشـــه یک ایده و طرح نو برای مطرح کردن وجود خواهد داشت.

۱۸. درصدی از کاربرها هســـتن که به نحوه نگارش گزارش بازی های شـــما، مثل تیتر و متن ها انتقاد دارن. تا چه حد احساساتتون درش دخیل می کنید، و تا چه حد انتقاد های اون دسته از کاربر ها رو به جا می دونید؟

اساس فعالیت سایت بر اصول حرفه ای منطبقه، چیزی شبیه جنس فعالیت سایت رسمی. اما تو فضـــاهایی مثل گزارش بازی یا مقالات متفرقه، سعی می کنیم تا حدودی از اون قالب خشـــک و رســـمی فاصـــله بگیریم و از زبون هوادار حرف بزنیم. قطعا به هر نوشته ای نقدی وارده، اما به شخصه سعی می کنم جانب انصاف و عدالت تو نوشته هام رعایت شده باشه و درصد کســـایی که نقد دارن اغلب خیلی کمتر از اونایی که راضین. اما به شخصـــه به هر نقدی هر چقدرم هم بی ربط، حداقل فکـر مـی کنم تا اگه چیـزی میشه ازش بیرون کشید، استفاده کنم.

۱۹. به عنوان یک بارسایی قدیمی، بهترین دوران بارسا رو چه زمانی می دونید، و دلیلتون براش چیه؟

به جرات میگم بارسای لوئیز انریکه، بهترین بارسای هزاره سـوم ه. هیچ وقت بارسـا رو انقدر با تنوع تاکتیکی ندیده بودم. لوئیز انریکه تیمش رو برای هر حریفی، با یه تاکتیک منحصـــر به فرد به زمین می فرســـته. چیزی که در دورانهای طلایی پپ و ریکارد هم نمی دیدیم و همیشه نداشتن پلن بی ضعف اصلی بارسا بود. اما بارسای لوئیز انریکه، پلن بی و سـی و ... تا Z هم داره! این تیم اگر حواشـی آزارش ندن و بی دقتی هایی مثل چند هفته اخیر، از نتیجه دورش نکنه، تا سالهای سال می تونه جامها رو به راحتی درو کنه.

۲۰. ... و بدترین؟

بارسای دوره دوم لوئیز فن خال، بارسای سرافرر و بارسای رکســاچ فاجعه بودن! اون دوران بارســـا به قدری بی ثبات بود که دقیق یادمه یک بازی بیرون خونه ۷-۰ برد و بازی بعدی تو نیوکمپ ۳-۰ به اوساسونا باخت! البته تو دهه اخیر هم، بارسای تاتا همین قدر متلاطم و نامطمئن بود. حتی وقتی تیم مـی بـرد، هوادار ته دلش نگرانی داشـت. اما بارســای انریکه حتی وقتی می بازه، ته دلمون قرصه.

۲۱. چه آینده ای رو بـرای سایت، این پســر بچه ده ســاله " طبق گفته خودتون " پیش بینـی می کنید؟

جنس فعالیت سـایت تو این دهه، کم و بیش یکسـان بوده، اما تو دهه آینده خیلـی فـرق خواهد کـــرد و به لطف و یاری خدا، اتفاقات بزرگی درش خواهد افتاد و بی شـــک اونها که به اف سی بارسلونا دات آی آر وفادار موندن، از این حسن انتخابشون بهره مند میشن و اونها که بهش پشت کردن، حسرت خواهند خورد. این رو بهتون قول میدم.

ضمن تشکر از شما بابت وقتی که در اختیار ما گذاشتید؛ سخن پایانی؟

روزهای خوشی رو برای بارسا و همه هواداراش آرزو می کنم. امیدوارم دهه پیش رو، مثل دهه قبل، پر باشه از روزهای خوش و قهرمانی های رنگارنگ و شادی و جشن. و امیدوارم سایت ده سال دیگه و در بیست سالگیش، رشدی به مراتب بیشتر از ده سال اولش کرده باشه و شک نکنید که اگر یک نفر آخر داستان، روی پاهاش ایستاده باشه، اون اف سی بارسلونا دات آی آر خواهد بود!